فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی
دوره ۷، شماره ۲، شماره پیاپی (۲۶)، تابستان ۱۴۰۵، ص ۷۷ ـ ۳۹
نوع مقاله: پژوهشی
شاپا الکترونیکی: ۵۲۰۰-۲۷۸۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

گونه‌شناسی سیاست‌های فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی: تحلیل تاریخی-مدیریتی از منظر ذی‌نفعان کلیدی

مصطفی محسنی[۱] فرزاد جهان بین[۲] مریم اسماعیلی فرد[۳]

چکیده:

پیدایش و گسترش دانشگاه آزاد اسلامی به‌عنوان بزرگ‌ترین نظام آموزش عالی غیردولتی ایران، نقش کلیدی در تحقق اهداف فرهنگی-آموزشی انقلاب اسلامی ایفا می‌کند. با توجه به فقدان تحلیل جامع گونه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در این نهاد، پژوهش حاضر با رویکرد تاریخی-مدیریتی و روش نظریه داده-بنیاد به شناسایی و بررسی تحول سیاست‌های فرهنگی در طول دوره‌های مدیریتی مختلف می‌پردازد. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۳۰ نفر از ذی‌نفعان کلیدی دانشگاه (رؤسا، معاونان فرهنگی، نمایندگان مقام معظم رهبری و مدیران واحدهای فرهنگی) جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA به‌صورت کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شد. نتایج نشان داد که سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی در پنج گونه متمایز تکامل یافته است: (۱) سیاست‌گذاری تثبیتی-توسعه‌گرا با غلبه کمّی (دوره دکتر عبدالله جاسبی)، (۲) سیاست‌گذاری هویت‌محور متمرکز (دوره دکتر فرهاد دانشجو)، (۳) سیاست‌گذاری اداری-نهادی با رویکرد ساختاری (دوره دکتر حمید میرزاده)، (٤) سیاست‌گذاری تعاملی-بازتنظیمی (دوره دکتر فرهاد رهبر) و (۵) سیاست‌گذاری تحول‌گرا با رویکرد تربیتی-تمدنی (دوره دکتر محمدمهدی طهرانچی). هر گونه با ترکیبی از شرایط علّی (مبانی ایدئولوژیک، فشارهای اقتصادی، بحران‌های ساختاری)، شرایط زمینه‌ای (ساختار چندلایه، تنوع فرهنگی-نسلی، بستر رسانه‌ای) و راهبردهای کلیدی (نهادینه‌سازی، بومی‌سازی، حکمرانی چندسطحی، هوشمندسازی) شکل می‌گیرد و پیامدهای متفاوتی در زمینه تقویت هویت، بهبود حکمرانی فرهنگی، افزایش مشارکت و ارتقای مشروعیت دانشگاه دارد. این تحلیل نه تنها چارچوب نظری تاریخی-مدیریتی جدیدی برای مطالعه سیاست‌های فرهنگی در مؤسسات آموزش عالی ارائه می‌کند، بلکه با شناسایی نقاط قوت و ضعف هر دوره، راهکارهای عملی برای بازتنظیم، بومی‌سازی و دیجیتالی‌سازی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی پیشنهاد می‌نماید.

واژگان اصلی: دانشگاه آزاد اسلامی، سیاست‌گذاری فرهنگی، گونه‌شناسی، مدیریت تاریخی، تحول فرهنگی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
f.jahanbin@shahed.ac.ir
۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱- مقدمه

دانشگاه آزاد اسلامی به‌عنوان بزرگ‌ترین نظام آموزش عالی غیردولتی ایران، بیش از ۱٫۲ میلیون دانشجو را در حدود ۴۹۰ واحد آموزشی خدمت‌رسانی می‌کند (دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۴۰۴). این نهاد نه‌تنها در گسترش عدالت آموزشی نقش اساسی دارد، بلکه به‌عنوان یک کنشگر فرهنگی، می‌تواند در شکل‌گیری هویت ملی، تقویت ارزش‌های دینی و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه مؤثر باشد (نصیری فیروز و اسکندری، ۱۴۰۲، ۷؛ قجری، ۱۴۰۱، ۲۳۷). در چارچوب آرمان‌های انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری تأکید کرده‌اند که دانشگاه‌ها سنگرهای اصلی تولید علم و فرهنگ اسلامی هستند و باید در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی گام بردارند. سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام آموزش عالی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری هویت، ارتقای کیفیت زندگی دانشگاهی و تقویت ارتباط دانشگاه با جامعه شناخته می‌شود (Hesmondhalgh & Negus, 2016, 147). بنابراین، شناخت دقیق گونه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی و تحولات آن در طول ادوار مدیریتی مختلف برای ارزیابی توانمندی این نهاد در تحقق اهداف فرهنگی-آموزشی ضروری است.

در سال‌های اخیر، سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام‌های آموزشی به‌ویژه در دانشگاه‌ها به یکی از موضوعات مهم پژوهشی تبدیل شده است. مطالعات داخلی نشان داده‌اند که سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام آموزش عالی شامل سه مرحله تدوین، اجرا و ارزیابی است و موانع متعددی در هر یک از این مراحل وجود دارد (نصیری فیروز و اسکندری، ۱۴۰۲؛ نصیری فیروز و همکاران، ۱۴۰۰). نصیری فیروز و همکاران (۱۴۰۱) چارچوبی بومی برای ارزیابی سیاست‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها ارائه داده‌اند که بر ابعاد نهادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد. همچنین، سلیمانی و همکاران (۱۴۰۱) مدل سیاست‌گذاری فرهنگی برای تقویت هویت فرهنگی جوانان ارائه کرده‌اند. پژوهش‌های خارجی نیز نشان می‌دهند که دانشگاه‌ها نه‌تنها مراکز تولید علم، بلکه کنشگران فرهنگی هستند و سیاست‌های فرهنگی باید به‌عنوان فرآیندهای پیچیده و چندبعدی در نظر گرفته شوند (Hesmondhalgh & Negus, 2016؛ Trần, 2024). این مطالعات نشان می‌دهند که برای درک کامل سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی، نیاز به چارچوبی تاریخی-مدیریتی است که هم‌زمان به ابعاد نظری، ساختاری و اجرایی توجه داشته باشد.

مسأله اصلی این پژوهش، گونه‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش به‌صورت زیر فرموله می‌شود: چه گونه‌های سیاست‌گذاری

فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی در طول ادوار مدیریتی مختلف شکل گرفته‌اند؟ این پژوهش با رویکرد تاریخی-مدیریتی به تحلیل تحولات گونه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی می‌پردازد و می‌تواند به درک بهتر از چالش‌ها و فرصت‌های موجود در سیاست‌گذاری فرهنگی کمک کند. اصالت این تحقیق در رویکرد تاریخی-مدیریتی آن نهفته است که برخلاف مطالعات پیشین، به تحلیل تحولات تاریخی و مدیریتی گونه‌های سیاستگذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی می‌پردازد و می‌تواند راهکارهای عملی برای بهبود سیاست‌های فرهنگی ارائه دهد.

۲- مبانی نظری و پیشینه تجربی

۲-۱- سیاستگذاری فرهنگی

سیاست‌گذاری فرهنگی شامل مجموعه‌ای از تصمیمات و اقدامات است که به‌واسطه‌ی آن، دولت‌ها و سایر نهادهای ذی‌ربط به تنظیم، هدایت و توسعه‌ی فرهنگ در جامعه می‌پردازند. این فرآیند، علاوه بر ارائه‌ی چشم‌اندازهای بلندمدت، به تدوین مقررات و دستورالعمل‌هایی منجر می‌شود که مسیر حرکت فرهنگی را مشخص کرده و بر رفتارهای فرهنگی تأثیرگذار هستند. در این راستا، سیاست‌های فرهنگی ممکن است در قالب رویکردهای ایجابی (نظیر حمایت از تولیدات فرهنگی، توسعه‌ی زیرساخت‌های فرهنگی و ترویج ارزش‌های فرهنگی) یا سلبی (مانند محدودیت‌های قانونی در برخی حوزه‌های فرهنگی) نمود پیدا کنند (وحید، ۱۳۸٤، ۲۲۸).

از منظر مطالعات سیاست‌گذاری عمومی، سیاست فرهنگی به‌عنوان یک حوزه‌ی راهبردی مطرح است که نقشی کلیدی در فرآیند توسعه‌ی پایدار ایفا می‌کند. درواقع، توسعه‌ی پایدار نه‌تنها ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دارد، بلکه بُعد فرهنگی آن نیز حائز اهمیت است. سیاست‌های فرهنگی با تأثیرگذاری بر نظام‌های ارزشی، شیوه‌های زندگی و تعاملات اجتماعی، به ایجاد تعادل میان سنت و نوگرایی، بومی‌گرایی و جهانی‌شدن، و حفظ هویت در عین نوآوری کمک می‌کنند. در نتیجه، سیاست‌گذاری فرهنگی به‌عنوان یکی از ارکان توسعه‌ی پایدار شناخته می‌شود که نه‌تنها از منظر فرهنگی، بلکه از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز اهمیت دارد (اشتریان، ۱۳۹۱، ۱۰). سیاست‌گذاری فرهنگی دولت را می‌توان در دو سطح اصلی مورد بررسی قرار داد:

سیاست فرهنگی:[1] این سطح به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، اصول و مبانی کلی اطلاق می‌شود که به هدایت جامعه در مسائل فرهنگی کمک می‌کند. سیاست فرهنگی در واقع چارچوبی نظری و مفهومی است که جهت‌گیری‌های کلان در حوزه‌ی فرهنگ را مشخص می‌کند و بر تدوین اهداف و آرمان‌های فرهنگی یک جامعه تأثیر می‌گذارد(دیزجی، ۱۴۰۳: ۳۵۰). این سیاست‌ها عمدتاً ناظر بر مسائلی چون هویت فرهنگی، انسجام اجتماعی، تنوع فرهنگی و ارزش‌های مشترک جامعه هستند.

خط‌مشی‌های فرهنگی:[2] این سطح ماهیت اجرایی و عملیاتی دارد و شامل تدابیر، برنامه‌ها و راهکارهایی است که برای تحقق سیاست‌های فرهنگی تدوین می‌شوند. در این سطح، سیاست‌گذاران و متولیان فرهنگی اقداماتی را در جهت توسعه و مدیریت فرهنگ در جامعه انجام می‌دهند. این اقدامات ممکن است شامل حمایت از تولیدات فرهنگی، تخصیص منابع به پروژه‌های فرهنگی، تدوین مقررات برای حفظ میراث فرهنگی، سیاست‌های آموزشی در حوزه‌ی فرهنگ، و تنظیم دستورالعمل‌هایی برای مدیریت مناسبات فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی باشد. در نتیجه، خط‌مشی‌های فرهنگی به‌طور مستقیم بر زندگی افراد جامعه تأثیر گذاشته و مسیر رشد و تحول فرهنگی را مشخص می‌کنند (ذکایی و شفیعی، ۱۳۸۹، ۹۱-۹۲).

۲-۲- سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی

فرآیند سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی به‌عنوان مولود فرهنگی و علمی انقلاب اسلامی و یکی از نهادهای بزرگ و تأثیرگذار در نظام آموزش عالی کشور، دارای اهمیت راهبردی در شکل‌دهی به هویت فرهنگی دانشجویان و جهت‌دهی به فعالیت‌های فرهنگی ـ اجتماعی در محیط دانشگاهی است. این فرآیند در بستر تعهد به آرمان‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اصول سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها، نقشه مهندسی فرهنگی کشور، و همچنین اقتضائات بومی و منطقه‌ای واحدهای دانشگاهی طراحی می‌شود. سیاست‌گذاری فرهنگی در این دانشگاه، ساختاری سلسله‌مراتبی و ترکیبی دارد که از سطح ستاد مرکزی دانشگاه تا واحدهای استانی و محلی را دربرمی‌گیرد. در این میان، معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی به‌عنوان نهاد محوری سیاست‌گذار، مسئولیت تدوین برنامه‌های کلان فرهنگی، هماهنگی بین‌بخشی، و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها را بر عهده دارد. شورای فرهنگی دانشگاه نیز نقش تصمیم‌سازی و تصویب برنامه‌ها

[1] Cultural Politics
[2] Cultural Policy

را ایفا می‌کند، در حالی‌که دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری با هدف هدایت ایدئولوژیک و ارزش‌مدارانه، در فرآیند سیاست‌گذاری مشارکت دارند. علاوه‌براین، کانون‌های فرهنگی، تشکل‌های دانشجویی، انجمن‌های علمی و دفاتر بسیج دانشجویی به‌عنوان مجریان میدانی و حلقه واسط میان دانشجویان و بدنه مدیریتی نقش مهمی در اجرای سیاست‌ها و ارزیابی اثربخشی آن‌ها ایفا می‌کنند (شرفی و همکاران، ۱۳۹۷، ۵۲).

از منظر فرایندی، سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی معمولاً در قالب چرخه‌ای از مراحل مشخص شامل شناسایی مسئله، تعیین دستورکار، تدوین سیاست، تصویب، اجرا و ارزیابی دنبال می‌شود. شناسایی مسائل فرهنگی بر مبنای تحلیل داده‌ها، گزارش‌های میدانی، نیازسنجی از جامعه دانشگاهی و پایش محیط فرهنگی صورت می‌گیرد. سپس، موضوعات دارای اولویت در دستورکار سیاست‌گذاری قرار گرفته و سیاست‌های متناسب با آن تدوین می‌شوند. تصویب این سیاست‌ها عمدتاً در شورای فرهنگی صورت می‌گیرد و اجرای آن‌ها به واحدهای دانشگاهی، با نظارت معاونت فرهنگی، واگذار می‌شود. در پایان هر دوره، عملکرد واحدها بر اساس شاخص‌هایی نظیر میزان مشارکت دانشجویان، کیفیت برنامه‌ها، اثربخشی فرهنگی و تطابق با اهداف کلان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (دهقان و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۲۳). روند سیاستگذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌رغم تعاریف ساختاری موجود، به اذعان مسئولین ذی‌ربط در امور دانشگاه و مصاحبه نخبگان طی دوره‌های مدیریتی مختلف فراز و فرودهای قابل تاملی داشته است. عمده سیاست‌های فرهنگی در طول بیش از سه دهه از فعالیت دانشگاه، تحت تاثیر نگاه مدیریت دانشگاه در قالب آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های فرهنگی طراحی و اجرا شده است و اولین گرایش به سمت تهیه اسناد راهبردی و تنظیم فعالیت‌ها بر حول محور این اسناد در کمتر از ده سال گذشته قابل مشاهده است.

۲-۳- پیشینه تجربی

مرور پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی، به‌ویژه در دانشگاه آزاد اسلامی و سایر مؤسسات آموزش عالی، نشان می‌دهد که این حوزه از حیث مفهومی، نهادی، مدیریتی و ارزیابانه واجد پیچیدگی‌های قابل توجهی است. ادبیات موجود، از یک‌سو بر ضرورت تبیین جایگاه فرهنگ در دانشگاه و نسبت آن با مأموریت‌های علمی، تربیتی و اجتماعی آموزش عالی تأکید دارد و از سوی دیگر، ضعف‌های موجود در فرایندهای تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌های فرهنگی را برجسته می‌سازد. بر این اساس، پیشینه تجربی این حوزه را می‌توان در چند

محور عمده شامل مبانی نظری و مفهومی سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه، الگوها و شاخص‌های مدیریت و ارزیابی فرهنگی، مطالعات متمرکز بر دانشگاه آزاد اسلامی، پژوهش‌های مرتبط با تحول فرهنگی، و مطالعات بین‌المللی تحلیل کرد. در حوزه مبانی نظری و مفهومی، خاشعی (۱۳۹۰) در کتاب خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی، پس از تبیین مفهوم فرهنگ و بررسی آن از منظر نظریه‌های گوناگون، الگوهای مختلف سیاست‌گذاری فرهنگی را تحلیل کرده و با تأکید بر شرایط خاص جامعه ایران، دو الگوی توسعه‌گرا و آرمان‌شهرگرا را مورد توجه قرار داده است. وی با بهره‌گیری از مدل چندبُعدی خط‌مشی‌گذاری، بر ضرورت توجه هم‌زمان به عوامل متکثر و اثرگذار در فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی تأکید می‌کند. در امتداد این رویکرد، اصغری (۱٤۰۲) در کتاب فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه ایرانی، با اتخاذ رویکردی تفسیری، مسئله اختلال در فرهنگ دانشگاهی ایران را از درون دانشگاه و بر پایه دیدگاه‌ها و تجربه‌های زیسته دانشگاهیان بررسی کرده و بر این نکته تأکید دارد که دانشگاه زمانی واجد معنای واقعی است که در زندگی اجتماعی و فرهنگی جامعه اثرگذار باشد. ابراهیم‌آبادی (۱۳۹۳) نیز در کتاب سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش عالی؛ ایده، تجربه و راهبرد، چارچوبی نظری و روشی برای فهم مشترک کنشگران فرهنگی و اجتماعی دانشگاه از امر فرهنگی ارائه می‌دهد. وی تلاش می‌کند تصویری دقیق‌تر از مأموریت فرهنگی و اجتماعی نظام آموزش عالی ترسیم کند و زمینه شکل‌گیری الگوهای ذهنی مشترک در میان فعالان این حوزه را فراهم آورد. هاشمی (۱۳۹٦) در کتاب سیاست فرهنگ در دانشگاه ایرانی: رویکردی فرهنگی به آموزش عالی، بر نقش تربیتی دانشگاه تأکید کرده و تقلیل دانشگاه به نهادی صرفاً تخصصی برای تولید علم و تربیت نیروی کارشناس را موجب کژکارکردی آن می‌داند. وی پس از نقد فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی ایران، مدیریت فرهنگی دانشگاه را مستلزم سیاست‌گذاری‌هایی می‌داند که از یک‌سو میان کارکردهای فرهنگ دانشگاه و نیازهای کلان جامعه تعادل برقرار کند و از سوی دیگر، مانع فروکاستن تنوع خلاق فرهنگ‌های دانشگاهی به الگویی واحد و محدود شود. اسماعیلی (۱۳۹۸) نیز در کتاب فرهنگ، دانشگاه و سیاست‌گذاری فرهنگی، نسبت میان فرهنگ، دانشگاه و سیاست‌گذاری را با رویکردی تحلیلی ـ انتقادی بررسی کرده و در بخش پایانی، پیشنهادهایی برای بازطراحی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها ارائه می‌کند. محورهایی مانند مشارکت نخبگان دانشگاهی، توانمندسازی فرهنگی، گفت‌وگوی بین‌نسلی، بازنگری در مأموریت‌های فرهنگی دانشگاه و تعامل نهاد دانشگاه با جامعه از جمله مؤلفه‌های پیشنهادی وی است.

در سال‌های اخیر، پیوند میان سیاست‌گذاری فرهنگی و حکمرانی دانشگاهی نیز مورد توجه قرار گرفته است. ناظمی (۱٤۰۰) در کتاب سیاست‌گذاری فرهنگی و حکمرانی فضای دانشگاهی، با بهره‌گیری از ادبیات نظری روزآمد و تحلیل‌های بومی، نحوه تأثیرگذاری سیاست‌های فرهنگی بر ابعاد مختلف حیات دانشگاهی را بررسی کرده است. ابراهیمی (۱٤۰۱) نیز در کتاب حکمرانی فرهنگی در دانشگاه‌ها، مفاهیم حکمرانی، سیاست‌گذاری و فرهنگ را در بستر دانشگاه تحلیل کرده و با نگاهی چندبعدی، اهمیت فرهنگ سازمانی، عوامل مؤثر بر آن و تأثیر آن بر نظام آموزشی را تبیین کرده است. در سطح مقالات علمی، لطیفی و ظهوریان ابوترابی (۱۳۹٤) در مقاله «تدوین الگوی ارزیابی شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها»، الگویی برای ارزیابی شاخص‌های فرهنگ عمومی ارائه کرده‌اند و یافته‌های آنان نشان می‌دهد که مدت زمان تحصیل در دانشگاه با شاخص کلی فرهنگی دانشجویان رابطه منفی دارد. این یافته، اهمیت پایش مستمر وضعیت فرهنگی دانشجویان و ارزیابی آثار محیط دانشگاهی بر نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی آنان را آشکار می‌سازد. درودی (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی چند مدل سیاست فرهنگی در حوزه آموزش عالی»، با تأکید بر تجارب سیاست فرهنگی در دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی، برنامه‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی و عام‌المنفعه پنج دانشگاه برجسته شامل استنفورد، شیکاگو، ییل، آکسفورد و منچستر را بررسی کرده است. اهمیت این پژوهش در آن است که تجربه دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی را در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی تحلیل می‌کند و امکان مقایسه تطبیقی با وضعیت آموزش عالی ایران را فراهم می‌آورد. در سطح تحلیل اسناد بالادستی، اسماعیلی (۱۳۹۸) در مقاله «اخلاق مسئولیت و سیاست‌گذاری دین در دانشگاه؛ تحلیل سند دانشگاه اسلامی»، با روش قیاسی و استقرایی به تحلیل کیفی مضمون سند دانشگاه اسلامی پرداخته و نشان داده است که سیاست‌گذاری دین در دانشگاه، به‌طور کامل بر مبنای اخلاق مسئولیت تدوین نشده است. فکوهی (۱۳۹۹) نیز در مقاله «چشم‌انداز فرهنگ عمومی و نظام دانشگاهی در جهان و در ایران»، با تمرکز بر تحولات جامعه اطلاعاتی، بر این نکته تأکید می‌کند که افزایش سرمایه فرهنگی در جوامع جدید، هم‌زمان می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری تنش‌های اجتماعی و فرهنگی تازه در فضاهای واقعی و مجازی شود.

بخش قابل توجهی از پژوهش‌های اخیر، به شناسایی مؤلفه‌ها، مراحل و چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام آموزش عالی اختصاص یافته است. نصیری فیروز (۱٤۰۰) در مقاله «فراترکیب مؤلفه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام آموزش عالی»، با تحلیل ٤۰ منبع مرتبط،

سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی را متشکل از سه مرحله اصلی تدوین، اجرا و ارزیابی می‌داند که به‌صورت درهم‌تنیده عمل می‌کنند. وی بر اهمیت سیاست‌گذاری فعال در حوزه فرهنگ دانشگاهی تأکید دارد و نشان می‌دهد فقدان سیاست‌گذاری مناسب می‌تواند به مداخلات بیرونی و بروز چالش‌های ناخواسته در نظام آموزش عالی منجر شود. در ادامه، نصیری فیروز و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی»، با استفاده از روش آمیخته، سه معیار اصلی تناسب، کارایی و اثربخشی را برای ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی شناسایی کرده‌اند. در بخش کمی این پژوهش، جامعه آماری شامل ۳۱۶۳ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی و الزهرا بوده که از میان آنان ۳۴۱ نفر با روش نمونه‌گیری نسبتی انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد معیارها و شاخص‌های ارائه‌شده از بار عاملی کافی برای پیش‌بینی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی در مؤسسات آموزش عالی برخوردارند. نصیری فیروز و اسکندری (۱۴۰۲) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «تبیین چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی»، موانع موجود در مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌های فرهنگی را بررسی کرده‌اند. این پژوهش با روش مرور نظام‌مند و تحلیل ۴۰ منبع علمی انجام شده و چالش‌ها را در سه مرحله طبقه‌بندی کرده است. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که ضعف در مسئله‌شناسی و نبود پایگاه اطلاعاتی مناسب از مهم‌ترین چالش‌های مرحله تدوین سیاست‌هاست. در مرحله اجرا، مشکلات مالی و مدیریتی به‌عنوان موانع کلیدی شناسایی شده‌اند و در مرحله ارزیابی، محدودیت‌های مربوط به داده‌ها، ابزارها و سازوکارهای سنجش، چالش‌های اصلی به شمار می‌آیند. این پژوهش تأکید می‌کند که سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی نباید در تعارض با گفتمان دانشگاهی قرار گیرد و رفع موانع یادشده برای تحقق سیاست‌های فرهنگی اثربخش ضروری است.

در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی با تمرکز بر هویت فرهنگی، سلیمانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به طراحی مدل سیاست‌گذاری فرهنگی برای تقویت هویت فرهنگی جوانان استان ایلام پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از روش‌های کیفی و کمی انجام شده و با بهره‌گیری از تحلیل محتوای قیاسی حدود ۸۰ منبع مرتبط و مشارکت ۱۵ نفر از متخصصان دانشگاهی، ابعاد مدل را استخراج کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مدل تقویت هویت فرهنگی شامل شش بعد اصلی هویت فرهنگی، دیانت، جغرافیای فرهنگی، زبان، حافظه فرهنگی و پوشاک است که همگی از نظر

آماری معنادار بوده‌اند. اهمیت این پژوهش در آن است که سیاست‌گذاری فرهنگی را در پیوند با هویت، بستر جغرافیایی و سرمایه‌های فرهنگی جامعه مورد تحلیل قرار می‌دهد. مطالعاتی نیز به‌طور خاص بر دانشگاه آزاد اسلامی تمرکز داشته‌اند. صادق‌زاده و همکاران (۱٤۰۰) در مقاله «الگوی داده‌بنیاد از تحول فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی»، با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و نمونه‌گیری هدفمند، متغیرها و شاخص‌های تحول فرهنگی را استخراج کرده و الگویی برای پدیده تحول فرهنگی در واحد تهران جنوب دانشگاه آزاد اسلامی ارائه کرده‌اند. انصاری و همکاران (۱٤۰۰) در مقاله «ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی با رویکرد تحول؛ مورد مطالعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران»، بر پیچیدگی و چندلایگی فرهنگ و سیاست فرهنگی تأکید کرده و تحقق اهداف فرهنگی را بدون خط‌مشی‌گذاری شایسته و نظام‌مند ممکن نمی‌دانند. دکامئی و همکاران (۱٤۰۰) نیز در مقاله «ارائه مدلی برای ارزیابی شاخص‌های مدیریت فرهنگی در دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران و البرز»، دانشگاه آزاد اسلامی را به‌عنوان یکی از نهادهای اثرگذار در فرهنگ جامعه مورد توجه قرار داده و با روش تحلیل مضمون، شاخص‌هایی را برای توسعه فرهنگ در دانشگاه شناسایی کرده‌اند. در حوزه تحول فرهنگی در دانشگاه، جاجرمی‌زاده (۱٤۰۱) در مقاله «الگوی مدیریت تحول فرهنگی در دانشگاه بر پایه نظرات آیت‌الله خامنه‌ای»، با استفاده از روش کیفی تحلیل مضمون، عوامل بازدارنده و پیش‌برنده تحول فرهنگی را تحلیل کرده است. این پژوهش فرهنگ غرب‌گرایی و فرهنگ تحجرگرایی را به‌عنوان عوامل بازدارنده و فرهنگ آرمانی اسلامی ـ ایرانی را به‌عنوان عامل پیش‌برنده تحول فرهنگی معرفی می‌کند. از منظر پژوهش‌های دانشگاهی، باروت‌کوب‌زاده (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه‌های کشور؛ مطالعه موردی: دولت‌های هفتم و نهم جمهوری اسلامی ایران»، تغییر سیاست‌های فرهنگی دانشگاه‌ها را در اثر تغییر دولت‌ها بررسی کرده و نشان داده است که شناخت دقیق ابعاد مسائل فرهنگی می‌تواند به تصمیم‌گیری علمی‌تر و واقع‌بینانه‌تر در حوزه فرهنگ کمک کند. همچنین نصیری فیروز (۱٤۰۰) در رساله دکتری خود با عنوان «طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی»، با روش آمیخته، مدل بومی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی را بر پایه معیارهای تناسب، کارایی و اثربخشی ارائه کرده است. صادق‌زاده (۱٤۰۰) در رساله دکتری خود با عنوان «طراحی الگوی تحول فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی»، با رویکرد کیفی و نمونه‌گیری هدفمند، الگویی برای تحول فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی طراحی

کرده و بر نقش عوامل علّی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و راهبردهای مدیریتی در فرایند تحول فرهنگی تأکید داشته است. شهرکی‌پور (۱٤۰۰) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «ارائه مدلی برای ارزیابی شاخص‌های مدیریت فرهنگی در دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران و البرز»، با روش تحلیل مضمون، مجموعه‌ای از شاخص‌های مؤثر بر توسعه فرهنگ در دانشگاه را شناسایی کرده است.

در سطح بین‌المللی، مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی و نهادهای فرهنگی، متأثر از تحولات جهانی، فناوری‌های نوین، اسناد بین‌المللی و تغییر الگوهای مشارکت فرهنگی است. ترن[1](۲۰۲٤) در مطالعه‌ای درباره پویایی‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در ویتنام، تأثیر کنوانسیون‌ها و چارچوب‌های بین‌المللی را بر سیاست‌گذاری فرهنگی بررسی کرده است. استیگروالد[2](۲۰۲۲) نیز با تحلیل گفتمان سیاست‌گذاری فرهنگی در آلمان، نشان داده است که سیاست فرهنگی نه‌تنها مجموعه‌ای از تصمیمات اجرایی، بلکه عرصه‌ای گفتمانی است که در آن معنا، ارزش و قدرت نهادی بازتولید می‌شود. والتیسون[3](۲۰۲۲) نیز به مسئله پلتفرمی‌شدن فرهنگ پرداخته و نشان داده است که گسترش پلتفرم‌های دیجیتال، شیوه تولید، توزیع، مصرف و حکمرانی فرهنگی را متحول کرده و چالش‌های جدیدی برای سیاست‌گذاری فرهنگی پدید آورده است. در میان منابع نظری بین‌المللی، کتاب سیاست فرهنگی اثر هس‌موندال و نگوس[4](۲۰۱٦) از جمله آثار مهمی است که ابعاد مختلف سیاست فرهنگی، نسبت آن با صنایع فرهنگی، قدرت، نهادهای اجتماعی و سازوکارهای تنظیم‌گری فرهنگی را بررسی کرده است. همچنین تاملینسون[5] (۲۰۱۸) در کتاب آموزش عالی و خیر عمومی، نقش آموزش عالی را در تولید خیر عمومی، مسئولیت اجتماعی، عدالت آموزشی و توسعه فرهنگی تحلیل کرده است. این آثار نشان می‌دهند که دانشگاه‌ها صرفاً نهادهایی آموزشی یا پژوهشی نیستند، بلکه کنشگرانی فرهنگی و اجتماعی‌اند که سیاست‌های آنان می‌تواند بر کیفیت حیات جمعی، سرمایه اجتماعی و عدالت فرهنگی اثرگذار باشد(سنجری مقدم، ۱٤۰۳ :٦۰).

جمع‌بندی پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود، ابعاد مهمی از سیاست‌گذاری فرهنگی

[1] Tran
[2] Steigerwald
[3] Valtysson
[4] Hesmondhalgh & Negus
[5] Tomlinson

در آموزش عالی را روشن ساخته‌اند. برخی مطالعات بـر مبـانی نظـری، برخـی بـر طراحـی الگوهـا و شاخص‌های ارزیابی، برخی بر تحول فرهنگـی و برخـی دیگـر بـر تجربـه‌های خـاص دانشـگاه آزاد اسلامی یا دانشگاه‌های بین‌المللی تمرکز داشته‌اند. با این حال، بخش قابل توجهی از این پژوهش‌هـا یـا به مرور ادبیات و فراترکیب منابع محدود بوده‌اند، یا بر یک واحد دانشگاهی خاص تمرکز کرده‌انـد، یـا به ارائه فهرستی از شاخص‌ها و معیارها بسنده نموده‌اند. ازاین‌رو، همچنان نیاز به پژوهشی وجـود دارد که بتواند با رویکردی عمیق، میدانی، بومی و چندبعدی، سیاست‌گذاری فرهنگی در کل نظـام دانشـگاه آزاد اسلامی را مطالعه کند. بر این اساس، پژوهش حاضر از چند جهت واجـد تمـایز اسـت. نخسـت آنکه از منظر روش‌شناختی، با بهره‌گیری از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد و انجام مصـاحبه‌های عمیـق بـا ذی‌نفعان کلیدی، از جمله اعضای شورای عالی، مدیران ارشد، اعضای هیئت علمـی و دانشـجویان، در پی استخراج گونه‌شناسی بومی و زمینه‌مند از سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشـگاه آزاد اسـلامی اسـت. دوم آنکه دامنه پژوهش، محدود به یک واحد دانشگاهی یا یک بُعد خاص از سیاست‌گذاری فرهنگـی نیست، بلکه کلان‌نگر و ناظر به نظام دانشگاه آزاد اسلامی به‌مثابه یک مجموعـه گسـترده، چندسـطحی و متکثر است. سوم آنکه پژوهش حاضر به‌جای ارائه صرف یک الگـوی تجـویزی یـا مجموعـه‌ای از شاخص‌های ارزیابی، بر شناسایی، طبقه‌بنـدی و تحلیـل گونـه‌های مختلـف سیاسـت‌گذاری فرهنگـی تمرکز دارد. این گونه‌شناسی می‌تواند به مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی کمـک کنـد تـا بـا شـناخت دقیق‌تر از تنوع رویکردها، الگوها و سازوکارهای موجود، تصمیم‌های آگاهانه‌تری اتخـاذ کننـد. چهـارم آنکه پژوهش حاضر تلاش می‌کند میان نظر و عمل پیوند برقرار سازد؛ بدین معنا که علاوه بـر تحلیـل نظری سیاست‌گذاری فرهنگی، با اتکا به داده‌های تجربـی و تجربـه‌های زیسـته کنشـگران، چـارچوبی کاربردی برای بهبود فرایندهای سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی ارائه دهد. پـنجم آنکـه این پژوهش به بستر بومی، فرهنگی، نهادی و اجتماعی آمـوزش عـالی ایـران توجـه دارد و می‌کوشـد الگویی متناسب با شرایط خاص دانشگاه آزاد اسلامی و نیازهای واقعـی آن عرضـه کنـد. ششـم آنکـه تنوع منابع اطلاعاتی، شامل مصاحبه با سطوح مختلف ذی‌نفعان، تحلیل اسناد و اسـتفاده از تجربـه‌های عملی، امکان گردآوری داده‌هـایی غنـی، چندبُعـدی و زمینه‌منـد را فـراهم می‌کنـد. در نهایـت، وجـه کـاربردی پـژوهش حاضـر نیـز حـائز اهمیـت اسـت؛ زیـرا یافتـه‌های آن می‌توانـد در فراینـدهای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اصلاح سیاست‌های فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی به‌کار گرفته شـود و بـه ارتقای کیفیت فعالیت‌ها و حکمرانی فرهنگی در این نهاد کمک کنـد. بنـابراین، پیشـینه تجربـی نشـان

می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه‌ها نه امری حاشیه‌ای، بلکه بخشی بنیادین از مأموریت اجتماعی، تربیتی و نهادی آموزش عالی است. پژوهش حاضر با ترکیب رویکرد کیفی عمیق، دامنه گسترده، تمرکز بر گونه‌شناسی، توجه به بستر بومی و جهت‌گیری کاربردی، می‌تواند ضمن تکمیل مطالعات پیشین، به غنای نظری و عملی حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی و به‌ویژه دانشگاه آزاد اسلامی یاری رساند.

۳- روش شناسی

این پژوهش ازنظر جهت‌گیری پژوهش از نوع بنیادی_کاربردی است و از نوع روش، کیفی است. روش‌شناسی این پژوهش بر اساس نظریه داده‌بنیاد طراحی شده است که به‌منظور استخراج مفاهیم و ساختارهای نظری از داده‌های میدانی به‌کار می‌رود. این رویکرد به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که بدون پیش‌فرض‌های نظری پیشین، به شناسایی گونه‌های سیاستگذاری فرهنگی و روابط علّی میان عوامل محرک، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها بپردازند. در این راستا، ۳۰ نفر از نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی و نهادهای مرتبط با سیاستگذاری فرهنگی از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. این نخبگان شامل روسای دانشگاه‌ها، معاونان فرهنگی، نمایندگان مقام معظم رهبری، دبیران شورای عالی انقلاب فرهنگی و مدیران موفق واحدهای فرهنگی بودند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و جمع‌آوری اسناد رسمی گردآوری شدند. مصاحبه‌ها به‌مدت ٦٠ تا ٩٠ دقیقه انجام شد و شامل سؤالاتی درباره مقوله‌ها و مفاهیم کلیدی سیاستگذاری فرهنگی، عوامل شکل‌گیری گونه‌ها، راهبردهای اجرایی و پیامدهای آن‌ها بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد که منجر به شناسایی مقوله‌های کلیدی و روابط علّی میان آن‌ها گردید. همچنین، مقاطع مدیریتی کلیدی در تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی شناسایی و تحلیل شدند تا روندهای تکاملی و تغییرات مدیریتی به‌طور دقیق بررسی شوند. اعتبار و قابلیت اطمینان پژوهش از طریق تکنیک‌های مختلفی نظیر تأیید اعضا و نگهداری دفترچه پژوهش تضمین شد. همچنین در تجزیه‌وتحلیل کیفی، بررسی ضریب توافق یا ضریب کاپا بین کدگذاران عمدتاً برای بررسی پایایی و بهبود کدگذاری است. چنانچه مقدار این ضریب بیشتر از ۰,٦۰ باشد، پایایی وجود دارد. بنابراین با توجه به اینکه ضریب کاپا برای روش گراندد تئوری برابر ۰,٧٦ می‌باشد؛ لذا ابزار پژوهش در بخش کیفی از پایایی کافی برخوردار است. این روش‌شناسی به‌طور خاص به تحلیل تاریخی-مدیریتی سیاستگذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی پرداخته و امکان شناسایی روندهای تکاملی و تغییرات

مدیریتی را فراهم می‌آورد. در نهایت، این پژوهش با هدف ارائه الگوهای موفق سیاستگذاری فرهنگی و پیشنهاد راهکارهای عملی برای بهبود و ارتقاء سیاست‌های فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی طراحی شده است.

٤- یافته‌های تحقیق

این پژوهش با استفاده از مصاحبه و تحلیل محتوای کیفی به روش گراندد تئوری با رویکرد پارادایمی به شناسایی گونه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی پرداخته است. هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این سوال است: چه گونه‌های سیاستگذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی در طول ادوار مدیریتی مختلف شکل گرفته، تکامل یافته و اثرگذار بوده‌اند؟ برای تحلیل محتوای کیفی در این مرحله از نرم افزار MAXQDA استفاده شده است. در این پژوهش با انجام مصاحبه با رؤسا و معاونین فرهنگی، اطلاعات گردآوری شده است. تعداد ۳۰ مصاحبه از خبرگان انجام شد و اطلاعات مورد نظر با روش مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری شد. مصاحبه ها تا اشباع نظری ادامه یافت. پس از انجام مصاحبه‌ها، با استفاده از کدگذاری باز، مصاحبه‌ها بررسی و کدهای اولیه استخراج شد. این بخش از پژوهش بر اساس فرآیند نظریه پردازی به روش نظریه داده بنیاد در ۵ مرحله صورت می‌گیرد که هر کدام در ادامه ارائه شده است.

مرحله اول: تعیین قلمرو موضوعی و سوال‌ها/اهداف اولیه: در اولین مرحله، قلمرو موضوعی پژوهش و سوالات و اهداف اولیه و اصلی پژوهش بیان می‌شود. این پژوهش به دنبال شناسایی و تحلیل گونه‌های سیاستگذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی در طول ادوار مدیریتی مختلف است تا چگونگی شکل‌گیری، تکامل و اثرگذاری آن‌ها مشخص شود. قلمرو کلی موضوعی پژوهش در حوزه سیاستگذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی، می‌باشد..

مرحله دوم: گردآوری و ثبت داده ها: گردآوری داده ها در این مرحله پژوهش با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شده است. در این مرحله با مشارکت کنندگان مصاحبه به صورت صوت، ضبط شده‌اند. مشارکت کنندگان در این پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- مشارکت‌کنندگان جایگاه مدیریتی/زمانی نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی

ردیف	مصاحبه شونده	توضیح زمانی
۱	دکتر فرهاد رهبر	رییس دانشگاه
۲	دکتر عبدالله جاسبی	رییس دانشگاه
۳	دکتر علی اکبر ولایتی	رییس هیات موسس و هیات امنا

ردیف	مصاحبه شونده	توضیح زمانی
٤	دکتر جواد منصوری	اولین معاون فرهنگی دانشگاه
٥	حجت‌الاسلام و المسلمین محمد محمدیان	نماینده سابق مقام معظم رهبری در دانشگاه ها و عضو سابق هیات امنا
٦	دکتر فرهاد دانشجو	رییس دانشگاه
٧	حجت‌الاسلام و المسلمین ابراهیم کلانتری	معاون فرهنگی دوره دکتر رهبر و اوایل دکتر طهرانچی
٨	دکتر مهدی مظاهری	معاون فرهنگی دوره دکتر جاسبی
٩	حجت الاسلام والمسلمین مصطفی رستمی	نماینده مقام معظم رهبری در دانشگاه ها و عضو هیات امنا
١٠	دکتر صمد مومن بالله	معاون فرهنگی دوره دکتر رهبر
١١	دکتر محمدمهدی طهرانچی	رییس دانشگاه
١٢	دکتر عبدالحسین کلانتری	معاون فرهنگی سابق وزارت علوم همزمان با دوره دکتر طهرانچی
١٣	حجت الاسلام و المسلمین عبدالحسین خسروپناه	دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی
١٤	مهندس حسین محمدی	معاون بررسی دفتر مقام معظم رهبری
١٥	حجت‌الاسلام و المسلمین محمد شریفی	مسئول سابق دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی
١٦	دکتر محمد مخبردزفولی	دبیر سابق شورای عالی انقلاب فرهنگی (دوره تحول هیات امنا)
١٧	مهندس مهدی عباسی مهر	مدیر کل سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
١٨	دکتر فرزاد جهانبین	معاون فعلی فرهنگی(مصاحبه با روزنامه فرهیختگان)
١٩	حجت‌الاسلام و المسلمین محسن قمی	عضو هیات موسس
٢٠	خانم دکتر مرضیه ابوذری	مدیر فرهنگی ستاد معاونت فرهنگی از دوره آقای طه هاشمی تا کنون
٢١	دکتر عادل حلاج دهقانی	مدیر فرهنگی ستاد معاونت فرهنگی از دوره دکتر مظاهری تا کنون
٢٢	دکتر فرزاد جهان بین	معاون فعلی فرهنگی
٢٣	دکتر سیدحمید مهدیون	مدیر فرهنگی ستاد معاونت فرهنگی در دوره دکتر جهان بین
٢٤	دکترعلیرضا صالحی	مدیر فرهنگی ستاد معاونت فرهنگی در دوره دکتر مظاهری
٢٥	دکتر سیدبابک فرزانه	مدیر فرهنگی ستاد معاونت فرهنگی در دوره دکتر مظاهری
٢٦	دکتر رضا نصیری	مدیر فرهنگی ستاد معاونت فرهنگی در دوره حاج آقا کلانتری
٢٧	دکتر رضا اسماعیلی	مدیر فرهنگی موفق واحد خوراسگان در دوره دکتر جاسبی
٢٨	حاج آقای محتشمی	مدیر فرهنگی موفق واحد مشهد از دوره دکتر جاسبی تا دکتر رهبر(توضیح ایشان شامل همه دوره ها می شود)
٢٩	دکتر سعید وحیدی مهر	مدیر فرهنگی موفق واحد آذربایجان شرقی در دوره دکتر رهبر
٣٠	خانم دکتر عصمت سوادی	مدیر فرهنگی موفق واحد تهران غرب در دوره دکتر دانشجو

مرحله سوم- کدگذاری و مقوله‌بندی: در این مرحله، داده‌های گردآوری‌شده از مصاحبه‌ها با بهره‌گیری از سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. در کدگذاری باز، عبارات معنادار، گزاره‌های تکرارشونده و دلالت‌های مفهومی موجود در روایت مشارکت‌کنندگان استخراج و به کدهای اولیه تبدیل شد. در کدگذاری محوری، کدهای هم‌خانواده بر اساس مشابهت مفهومی، پیوندهای علّی، زمینه‌ای و راهبردی در قالب مقوله‌های فرعی و اصلی سازمان‌دهی شدند. در کدگذاری انتخابی نیز مقوله‌ها حول پدیده محوری پژوهش یعنی «بازتعریف و نهادینه‌سازی سیاستگذاری فرهنگی دانشگاه با رویکرد تربیتی ـ هویتی» یکپارچه شدند. در این فرایند تلاش شد کدها و مقوله‌ها مستقیماً از داده‌های میدانی و روایت مصاحبه‌شوندگان استخراج شوند و از تحمیل مفاهیم از پیش‌ساخته یا برچسب‌زنی تفسیری پرهیز گردد. جدول ۲، مفاهیم، مقوله‌ها و کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها را در چارچوب پارادایمی پژوهش نشان می‌دهد.

جدول ۲- مفاهیم و کدهای استخراج شده

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای اولیه	مصاحبه‌ها
شرایط علی	**مبانی ایدئولوژیک و هویتی نظام فرهنگی**	ماهیت فرهنگی انقلاب و نظام	ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی؛ اولویت فرهنگ؛ پیوند فرهنگ و حاکمیت؛ رسالت تمدنی دانشگاه	۴، ۶، ۷، ۱۹، ۲۳
		انتقال و صیانت از ارزش‌های انقلاب	حفظ میراث انقلابی؛ مقابله با غرب‌زدگی؛ تقویت هویت ملی و دینی؛ بازتولید سرمایه نمادین انقلاب	۲، ۸، ۹، ۲۱، ۲۴
		پارادایم اسلامی ـ تربیتی	اسلام ناب محمدی؛ مکتب تربیتی؛ نگاه اخلاقی و تربیتی؛ جهت‌دهی ارزشی به علم	۳، ۱۱، ۱۴، ۲۲
		مرجعیت دینی در فرهنگ	نقش روحانیت در هدایت فرهنگی؛ پیوند حوزه و دانشگاه	۳، ۲۰
		ضرورت نهادینه‌سازی فرهنگ اسلامی	صداقت، نظم، مسئولیت‌پذیری؛ سلامت اداری؛ تقویت زیست مؤمنانه در دانشگاه	۶، ۲۱، ۲۵
	بحران تاریخی و ساختاری نهاد دانشگاه	وارداتی بودن دانشگاه	دانشگاه وارداتی؛ سکولار و پوزیتیویستی بودن؛ گسست معرفتی؛ الگوی غربی آموزش عالی	۱۲، ۱۹، ۲۶
		استمرار الگوی آموزشی غیر اسلامی	استحاله فرهنگی؛ تداوم مدل غیر بومی؛ مقاومت در برابر تحول بنیادین	۴، ۲۲، ۲۷

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای اولیه	مصاحبه‌ها
		ضعف مبانی فرهنگی در دانشگاه	ضعف فهم فرهنگی مدیران؛ انتقال سرکوب فرهنگی مدرسه به دانشگاه؛ کم‌رنگ بودن تربیت فرهنگی	۱، ۳، ۲۰
		غلبه مدرک‌گرایی و مادی‌گرایی	مدرک‌گرایی؛ پست‌محوری؛ منزلت‌گرایی اداری؛ نگاه ابزاری به علم	٤، ۱۷، ۲۸
	غلبه کمیت‌گرایی و اقتصادمحوری	توسعه کمی بی‌ضابطه	گسترش سریع واحدها؛ توسعه بی‌رویه تحصیلات تکمیلی؛ رشد نامتوازن رشته‌ها	۱۵، ۱۷، ۲۶، ۲۹
		درآمدمحوری دانشگاه	تمرکز بر جذب دانشجو؛ وابستگی به شهریه؛ مشتری‌مداری؛ فشارهای مالی	۵، ۷، ۱۵، ۲۳، ۲۹
		تمرکز منابع و قدرت	کنترل منابع؛ شبکه نفوذ؛ انحصار تصمیم‌گیری؛ تمرکز امضاهای کلیدی	۱۷، ۲۸، ۳۰
	ضعف مفهومی و اجرایی سیاستگذاری فرهنگی	فقدان تعریف مشترک	برداشت‌های متفاوت از سیاستگذاری فرهنگی؛ ابهام مفهومی؛ اختلاط سیاستگذاری و اجرا	۱٦، ۲٤
		نقص در ترجمه سیاست به اجرا	نبود شاخص ارزیابی؛ فقدان برنامه اقدام؛ گسست بین سند و عمل	۱٦، ۱۸، ۲۷
		ضعف نگرش مدیریتی به فرهنگ	نگاه حداقلی به فرهنگ؛ فرهنگ به‌عنوان امر حاشیه‌ای؛ مدیریت غیرتخصصی فرهنگی	۵، ۲۱، ۳۰
		سیاستگذاری واکنشی و مقطعی	تصمیم‌های مناسبتی؛ فقدان افق بلندمدت؛ رویکرد واکنشی به بحران‌ها	۱۹، ۲۵
	ضرورت بازتعریف حکمرانی فرهنگی دانشگاه	ضرورت ورود حاکمیت در فرهنگ	لزوم هدایت کلان فرهنگی؛ نقش نهادهای بالادستی؛ سیاستگذاری متمرکز فرهنگی	٦، ۷، ۲۳
		تعادل در میزان مداخله	منطق فازی در مداخله؛ تعادل بین حداقل و حداکثر دخالت؛ توجه به اقتضائات نسل جدید	۱۰، ۲٤
		حکمرانی چندسطحی	مشارکت دولت، دانشگاه، جامعه مدنی؛ شبکه‌سازی فرهنگی؛ تعامل بین‌بخشی	۱۳، ۲۲، ۱۸
		نیاز به نهاد واسط نخبگانی	حلقه واسط بین سیاستگذاری و اجرا؛ اتاق فکر فرهنگی؛ مرجع مشورتی تخصصی	۱٤، ۲۵

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای اولیه	مصاحبه‌ها
		بومی‌سازی سیاست‌های کلان	ترجمه عملیاتی سیاست‌های کلان در سطح واحدها؛ اقتضائات منطقه‌ای؛ انعطاف ساختاری	۱۴، ۱۸، ۲۹
	چندقطبی بودن میدان اثرگذاری فرهنگی	بازیگران درون‌دانشگاهی	مدیریت؛ هیئت علمی؛ کارکنان؛ تشکل‌های دانشجویی؛ کانون‌های فرهنگی	۱، ۱۸، ۳۰
		بازیگران برون‌دانشگاهی	خانواده؛ فضای مجازی؛ محیط منطقه‌ای؛ رسانه‌ها؛ صنایع فرهنگی	۱۲، ۱۸، ۲۶
		تأثیر محیط اجتماعی و نسلی	تغییرات سبک زندگی؛ شکاف نسلی؛ تحولات فناوری؛ جهانی‌شدن فرهنگ	۹، ۲۰، ۲۷، ۱۸
شرایط زمینه‌ای	**بستر نهادی و ساختاری دانشگاه**	ساختار گسترده و چندلایه سازمانی	پراکندگی واحدها؛ تنوع ساختاری؛ فاصله مرکز و واحدها؛ پیچیدگی مدیریت	۱۱، ۱۸، ۲۴، ۳۰
		استقلال نسبی واحدها	اختیار اجرایی متفاوت؛ تنوع رویه‌ها؛ ناهمگونی اجرای سیاست‌ها	۱۸، ۲۳، ۲۴، ۲۹
		نظام اداری و بروکراسی	کندی تصمیم‌گیری؛ تعدد مجوزها؛ تمرکز اداری	۱۷، ۲۴، ۳۰
	تنوع فرهنگی ـ اجتماعی بدنه دانشگاه	ناهمگونی فرهنگی دانشجویان	تفاوت طبقاتی؛ پیشینه فرهنگی متنوع؛ شکاف ارزشی	۱، ۹، ۲۵، ۱۸
		تنوع نسلی	تغییر سبک زندگی؛ تفاوت انتظارات نسل جدید؛ فرهنگ دیجیتال	۹، ۲۰، ۲۷، ۱۸
		تفاوت‌های منطقه‌ای	اقتضائات بومی؛ فرهنگ محلی؛ شرایط اجتماعی مناطق	۱۸، ۲۵، ۲۹
	زیست‌بوم اقتصادی و معیشتی	فشارهای اقتصادی دانشجویان و کارکنان	دغدغه معیشت؛ اشتغال همزمان؛ کاهش مشارکت فرهنگی	۵، ۲۴، ۲۶
		وابستگی مالی دانشگاه	اتکا به شهریه؛ محدودیت بودجه فرهنگی	۵، ۷، ۲۳، ۲۹
	محیط رسانه‌ای و فناوری	نفوذ فضای مجازی	مرجعیت رسانه‌ای جدید؛ شکل‌گیری هویت آنلاین؛ رقابت فرهنگی	۱۸، ۲۰، ۲۶، ۱۸
		تحولات فناوری آموزشی	آموزش مجازی؛ کاهش تعامل حضوری؛ تغییر الگوی ارتباط	۱۲، ۲۰، ۲۷

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای اولیه	مصاحبه‌ها
	سرمایه انسانی و فرهنگی دانشگاه	نقش هیئت علمی	الگوی رفتاری استاد؛ اثرگذاری غیررسمی تربیتی	۱، ۱۸، ۲۲، ۳۰
		توان مدیریتی فرهنگی	تجربه محدود فرهنگی مدیران؛ ناپیوستگی مدیریتی	۵، ۱۶، ۲۱
		مشارکت دانشجویی	فعالیت تشکل‌ها؛ خودجوشی فرهنگی؛ انگیزه متغیر	۵، ۱۸، ۳۰
	بستر سیاستی و حکمرانی کلان	تأثیر سیاست‌های بالادستی	الزامات اسناد ملی؛ جهت‌دهی کلان فرهنگی	۶، ۷، ۱۴، ۲۳
		تعامل نهادهای بیرونی	ارتباط با خانواده، رسانه، نهادهای فرهنگی	۱۲، ۱۸
	فرهنگ سازمانی دانشگاه	نگرش به فعالیت فرهنگی	حاشیه‌ای تلقی شدن فرهنگ؛ اولویت آموزشی/اداری	۵، ۱۹، ۲۱
		الگوهای غیررسمی رفتاری	هنجارهای نانوشته؛ روابط غیررسمی	۱۱، ۲۴، ۳۰
شرایط مداخله‌گر	تحولات محیطی و اجتماعی بیرونی	تغییرات فرهنگی جامعه	تحول سبک زندگی؛ کاهش مرجعیت سنتی؛ سیالیت ارزشی	۹، ۲۰، ۲۷، ۱۸
		فشارهای رسانه‌ای و شبکه‌ای	نفوذ شبکه‌های اجتماعی؛ رقابت گفتمانی؛ مرجعیت دیجیتال	۱۸، ۲۶
		شرایط اقتصادی کلان	فشار معیشتی؛ کاهش تمرکز بر فعالیت فرهنگی	۵، ۲۴، ۲۶
	پویایی‌های مدیریتی و سازمانی	ناپایداری مدیریتی	تغییرات سریع مدیران؛ فقدان تداوم سیاست‌ها	۱۶، ۲۱، ۳۰
		تعارض سطوح تصمیم‌گیری	اختلاف مرکز و واحدها؛ چندگانگی دستورالعمل‌ها	۱۷، ۲۳، ۲۴
		محدودیت منابع اجرایی	کمبود بودجه فرهنگی؛ ضعف نیروی متخصص	۵، ۱۸، ۲۹
	ویژگی‌های کنشگران فرهنگی	انگیزه و باور مدیران	تعهد ارزشی متغیر؛ درک متفاوت از فرهنگ	۵، ۱۰، ۲۱
		آمادگی هیئت علمی	مشارکت محدود فرهنگی؛ اولویت آموزشی/پژوهشی	۱، ۲۲، ۳۰
		سرمایه اجتماعی دانشجویان	مشارکت ناپایدار؛ فردگرایی؛ دغدغه شغلی	۹، ۱۸، ۲۵

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای اولیه	مصاحبه‌ها
	پیچیدگی اجرای سیاست‌ها	ابهام عملیاتی اسناد	دشواری ترجمه سیاست به برنامه	۱۶، ۲۳، ۲۷
		مقاومت سازمانی	عادت‌های نهادی؛ محافظه‌کاری ساختاری	٤، ۲۲، ۳۰
	تعامل با محیط بیرونی دانشگاه	نفوذ فرهنگ عمومی	اثرپذیری از جامعه و رسانه	۱۲، ۱۸
		فشار ذی‌نفعان بیرونی	خانواده، بازار کار، نهادهای محلی	۲۵، ۲۹، ۱۸
راهبردها	**نهادینه‌سازی سیاستگذاری فرهنگی**	تدوین چارچوب‌های راهبردی	طراحی اسناد فرهنگی؛ تعیین اهداف کلان؛ تعریف شاخص‌ها	٦، ١٤، ١٦، ٢٣
		ترجمه سیاست به برنامه اجرایی	برنامه اقدام؛ زمان‌بندی؛ نظام ارزیابی	١٦، ١٨، ٢٧
		یکپارچه‌سازی اجرای سیاست	هم‌راستاسازی واحدها؛ نظارت ساختاری	٢٣، ٢٤، ٢٩
	توانمندسازی سرمایه انسانی فرهنگی	ارتقای شایستگی مدیران	آموزش سیاستگذاری فرهنگی؛ تربیت مدیر فرهنگی	٥، ١٠، ٢١
		نقش‌آفرینی هیئت علمی	الگوی تربیتی استاد؛ مشارکت فرهنگی	١، ٢٢، ٣٠
		تقویت کنشگری دانشجویی	حمایت از تشکل‌ها؛ فعالیت‌های خودجوش	٥، ١٨، ٢٥
	بازطراحی حکمرانی فرهنگی دانشگاه	حکمرانی چندسطحی	مشارکت مرکز، واحدها و نهادهای بیرونی	١٣، ٢٢، ١٨
		تعادل مداخله و خودتنظیمی	هدایت غیرمستقیم؛ انعطاف اجرایی	١٠، ٢٤
		ایجاد نهاد واسط تخصصی	اتاق فکر فرهنگی؛ حلقه مشورتی	١٤، ٢٥
	بومی‌سازی و اقتضامحوری فرهنگی	انطباق با شرایط منطقه‌ای	طراحی برنامه‌های محلی؛ توجه به فرهنگ بومی	١٨، ٢٥، ٢٩
		انعطاف در اجرای سیاست	تنظیم برنامه متناسب با مخاطب	١٠، ٢٤، ١٨
	توسعه زیست‌بوم	پیوند آموزش و فرهنگ	ادغام تربیت فرهنگی در آموزش	٣، ١١، ٢٢

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای اولیه	مصاحبه‌ها
	فرهنگی دانشگاه	بهره‌گیری از فناوری فرهنگی	استفاده از فضای مجازی؛ رسانه دانشگاهی	۱۸، ۲۰، ۱۸
		شبکه‌سازی فرهنگی	تعامل با خانواده و نهادهای اجتماعی	۱۲، ۱۸، ۱۸
	اصلاح ساختار و منابع فرهنگی	تخصیص منابع هدفمند	بودجه فرهنگی پایدار؛ اولویت‌بندی	۵، ۲۳، ۲۹
		چابک‌سازی ساختار فرهنگی	کاهش بروکراسی؛ تسهیل اجرا	۱۷، ۲۴، ۳۰
پیامدها	**تعمیق هویت فرهنگی و تربیتی دانشگاه**	تقویت هویت دینی ـ ملی دانشجویان	درونی‌سازی ارزش‌ها؛ خودآگاهی فرهنگی؛ مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۳، ۸، ۹، ۲۲
		ارتقای الگوی رفتاری دانشگاهیان	اخلاق حرفه‌ای؛ تعهد سازمانی؛ زیست فرهنگی	۱، ۶، ۲۱، ۲۵
	ارتقای کیفیت حکمرانی فرهنگ	انسجام سیاست و اجرا	کاهش پراکندگی؛ هم‌راستایی واحدها	۱۶، ۲۳، ۲۴
		تصمیم‌گیری مبتنی بر شاخص	ارزیابی‌پذیری؛ شفافیت عملکرد	۱۴، ۱۶، ۲۹
	پویایی زیست‌بوم فرهنگی دانشگاه	افزایش مشارکت فرهنگی	فعال شدن تشکل‌ها؛ کنشگری دانشجویی	۵، ۱۸، ۳۰
		تعامل مؤثر با محیط اجتماعی	پیوند دانشگاه با جامعه و خانواده	۱۲، ۱۸
	کاهش آسیب‌های فرهنگی سازمانی	تضعیف مدرک‌گرایی و ظاهرسازی	توجه به کیفیت تربیتی؛ اصالت‌بخشی به فرهنگ	۴، ۱۷، ۲۳
		کاهش مقاومت سازمانی	پذیرش تغییر؛ فرهنگ یادگیری	۲۲، ۲۴، ۳۰
	تقویت سرمایه انسانی و نهادی	توانمندسازی مدیران فرهنگی	مدیریت حرفه‌ای فرهنگی	۵، ۱۰، ۲۱
		ارتقای نقش هیئت علمی	الگوی تربیتی مؤثر استاد	۱، ۱۱، ۲۲
	افزایش مشروعیت و اثربخشی دانشگاه	اعتماد فرهنگی جامعه	تصویر مثبت اجتماعی؛ اعتبار نهادی	۷، ۱۴
		کارآمدی سیاستگذاری فرهنگی	تحقق اهداف فرهنگی؛ پایداری برنامه‌ها	۶، ۲۳، ۲۹

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای اولیه	مصاحبه‌ها
پدیده محوری	بازتعریف و نهادینه‌سازی سیاستگذاری فرهنگی دانشگاه با رویکرد تربیتی ـ هویتی	جهت‌دهی هویتی و ارزشی دانشگاه	اولویت فرهنگ؛ پیوند آموزش و تربیت؛ تقویت هویت دینی ـ ملی؛ رسالت تمدنی دانشگاه	۳، ٤، ٦، ۸، ۱۱، ۲۲
		یکپارچه‌سازی سیاست و اجرا	تبدیل اسناد به برنامه عملیاتی؛ هم‌راستاسازی واحدها؛ ارزیابی‌پذیری فرهنگی	۱٤، ۱٦، ۱۸، ۲۳، ۲٤
		حکمرانی فرهنگی متعادل و اقتضامحور	تعادل مداخله؛ مشارکت چندسطحی؛ بومی‌سازی اجرا	۱۰، ۱۳، ۲٤، ۲۵، ۲۹
		نهادینه‌سازی زیست فرهنگی دانشگاه	الگوی رفتاری استاد؛ مشارکت دانشجویی؛ فرهنگ سازمانی تربیت‌محور	۱، ۵، ۱۸، ۲۱، ۳۰
		ارتقای کارآمدی و مشروعیت فرهنگی	انسجام نهادی؛ اعتماد اجتماعی؛ اثربخشی سیاست‌ها	۷، ۱٤، ۲۳

مرحله چهارم – نظریه‌پردازی و استخراج مفاهیم: در این مرحله، تحلیل از سطح توصیف و طبقه‌بندی داده‌ها فراتر رفت و روابط میان مقوله‌ها، شرایط شکل‌دهنده، راهبردهای اتخاذشده و پیامدهای حاصل از سیاستگذاری فرهنگی مورد تبیین قرار گرفت. هدف این مرحله صرفاً نام‌گذاری یا برچسب‌گذاری دوره‌های مدیریتی نبود، بلکه کشف منطق درونی هر گونه سیاستگذاری فرهنگی و توضیح سازوکارهایی بود که از طریق آن‌ها برخی شرایط علّی و زمینه‌ای به شکل‌گیری راهبردهای خاص و در نهایت به پیامدهای معین منجر شده‌اند. ازاین‌رو، گونه‌های سیاستگذاری فرهنگی نه به‌عنوان عنوان‌های انتزاعی، بلکه به‌مثابه صورت‌بندی‌های مفهومی برآمده از پیوند میان داده‌های مصاحبه، مقوله‌های استخراج‌شده و زمینه تاریخی ـ مدیریتی دانشگاه آزاد اسلامی تعریف شدند. در فرایند نظریه‌پردازی، برای جلوگیری از برچسب‌زنی، هر مفهوم کلیدی تنها زمانی در گونه‌شناسی نهایی وارد شد که پیوند آن با سایر مقوله‌ها در داده‌ها قابل ردیابی و توضیح باشد. بر همین اساس، تحلیل نظری پژوهش مبتنی بر منطق پارادایمی داده‌بنیاد انجام شد. در این منطق، شرایط علّی نظیر مبانی ایدئولوژیک و هویتی، بحران تاریخی و ساختاری دانشگاه، غلبه کمیت‌گرایی و اقتصادمحوری، ضعف مفهومی و اجرایی سیاستگذاری فرهنگی و ضرورت بازتعریف حکمرانی فرهنگی، زمینه شکل‌گیری پدیده محوری را فراهم می‌سازند. این شرایط در بسترهای نهادی، سازمانی، فرهنگی، اقتصادی و فناورانه دانشگاه آزاد اسلامی عمل می‌کنند؛ بسترهایی مانند ساختار گسترده و چندلایه

سازمانی، تنوع فرهنگی ـ اجتماعی بدنه دانشگاه، زیست‌بوم اقتصادی و معیشتی، محیط رسانه‌ای و فناوری، سرمایه انسانی دانشگاه و فرهنگ سازمانی. افزون بر این، شرایط مداخله‌گر مانند تحولات اجتماعی بیرونی، ناپایداری مدیریتی، محدودیت منابع، مقاومت سازمانی و فشارهای رسانه‌ای می‌توانند مسیر اجرای سیاست‌ها را تقویت، تعدیل یا محدود کنند. در پاسخ به این وضعیت، راهبردهایی چون نهادینه‌سازی سیاستگذاری فرهنگی، توانمندسازی سرمایه انسانی، بازطراحی حکمرانی فرهنگی، بومی‌سازی و اقتضامحوری، توسعه زیست‌بوم فرهنگی و اصلاح ساختار و منابع فرهنگی شکل می‌گیرند. پیامد این راهبردها نیز در قالب تعمیق هویت فرهنگی و تربیتی، ارتقای کیفیت حکمرانی فرهنگ، پویایی زیست‌بوم فرهنگی، کاهش آسیب‌های سازمانی، تقویت سرمایه انسانی و افزایش مشروعیت و اثربخشی دانشگاه قابل مشاهده است. در این مرحله، علاوه بر تحلیل پارادایمی، سیاستگذاری فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی بر اساس منطق «برش تاریخی ـ مدیریتی» نیز بررسی شد. مقصود از برش تاریخی ـ مدیریتی آن است که سیاست‌های فرهنگی در هر دوره مدیریتی، نه به‌صورت جدا از زمینه زمانی و ساختاری خود، بلکه در نسبت با شرایط تاریخی، اولویت‌های مدیریتی، ظرفیت نهادی، اسناد بالادستی، فشارهای محیطی و وضعیت منابع تحلیل شوند. این رویکرد امکان می‌دهد که تفاوت میان دوره‌ها صرفاً به اشخاص یا عناوین مدیریتی نسبت داده نشود، بلکه بر اساس ترکیب خاصی از شرایط علّی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردی و پیامدی توضیح داده شود. به بیان دیگر، هر گونه سیاستگذاری فرهنگی حاصل برهم‌کنش میان مسئله غالب آن دوره، جهت‌گیری مدیریتی، ظرفیت اجرایی دانشگاه و نوع مواجهه با فرهنگ است. بر این اساس، پنج گونه سیاستگذاری فرهنگی در ادوار مدیریتی دانشگاه آزاد اسلامی شناسایی شد. گونه نخست، «سیاستگذاری تثبیتی ـ توسعه‌گرا با غلبه کمّی»، ناظر بر دوره‌ای است که در آن تثبیت نهادی، گسترش واحدها، افزایش دسترسی به آموزش عالی و پاسخ به تقاضای اجتماعی، اولویت غالب سیاستگذاری بود. در این گونه، فرهنگ بیشتر در کنار توسعه ساختاری و به‌عنوان پیوست فعالیت‌های آموزشی و اداری فهم می‌شد. گونه دوم، «سیاستگذاری هویت‌محور متمرکز»، با برجسته‌سازی هویت اسلامی ـ انقلابی، تمرکز راهبری فرهنگی و تلاش برای انسجام‌بخشی ارزشی به دانشگاه مشخص می‌شود. گونه سوم، «سیاستگذاری اداری ـ نهادی با رویکرد ساختاری»، بر انتظام‌بخشی، آیین‌نامه‌سازی، شاخص‌گذاری و تلاش برای تبدیل سیاست فرهنگی به برنامه‌های قابل اجرا تأکید دارد. گونه چهارم، «سیاستگذاری تعاملی ـ بازتنظیمی»، در پی ایجاد تعادل میان مداخله حاکمیتی و

خودتنظیمی دانشگاهی، تقویت مشارکت استادان و دانشجویان، بومی‌سازی برنامه‌ها و حرکت به سوی حکمرانی چندسطحی است. گونه پنجم، «سیاستگذاری تحول‌گرا با رویکرد تربیتی ـ تمدنی»، با تأکید بر پیوند علم، تربیت، هویت و تمدن‌سازی، تلاش می‌کند سیاستگذاری فرهنگی را در سطحی نظام‌مند، هوشمند، شبکه‌ای و آینده‌نگر بازتعریف کند. بنابراین، نظریه‌پردازی در این پژوهش بر پایه تبیین روابط میان مقوله‌ها و نه صرفاً نام‌گذاری دوره‌ها انجام شده است. هر گونه سیاستگذاری فرهنگی به‌عنوان یک الگوی تحلیلی در نظر گرفته شده که از ترکیب شرایط علّی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها شکل گرفته و در بستر تاریخی ـ مدیریتی خاص خود معنا می‌یابد. جدول ۳، گونه‌شناسی سیاستگذاری فرهنگی در ادوار مدیریتی دانشگاه آزاد اسلامی را بر اساس این منطق پارادایمی و تاریخی ـ مدیریتی نشان می‌دهد.

جدول ۳- گونه‌شناسی سیاستگذاری فرهنگی در ادوار مدیریتی دانشگاه آزاد اسلامی

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی غالب در این دوره
گونه اول: «سیاستگذاری تثبیتی ـ توسعه‌گرا با غلبه کمّی» – دوره مدیریت دکتر عبدالله جاسبی		
پدیده محوری	تثبیت و توسعه ساختاری دانشگاه با اولویت کمّی و درآمدی	گسترش سریع واحدها؛ توسعه بی‌رویه تحصیلات تکمیلی؛ تمرکز بر جذب دانشجو؛ وابستگی به شهریه؛ فرهنگ به‌مثابه پیوست توسعه
شرایط علّی	غلبه کمیت‌گرایی و اقتصادمحوری	توسعه کمی بی‌ضابطه؛ درآمدمحوری؛ تمرکز منابع و قدرت؛ مدرک‌گرایی؛ نگاه ابزاری به علم
	ضعف مفهومی سیاستگذاری فرهنگی	فقدان تعریف مشترک از سیاست فرهنگی؛ اختلاط سیاستگذاری و اجرا؛ نبود شاخص ارزیابی؛ سیاستگذاری مقطعی
	رسالت عدالت آموزشی	گسترش مردمی آموزش عالی؛ افزایش دسترسی جغرافیایی؛ پاسخ به تقاضای اجتماعی آموزش
شرایط زمینه‌ای	ساختار گسترده و چندلایه سازمانی	پراکندگی واحدها؛ فاصله مرکز و واحدها؛ تنوع منطقه‌ای
	ماهیت شهریه‌محور دانشگاه	وابستگی مالی؛ محدودیت بودجه فرهنگی؛ اولویت منابع آموزشی بر فرهنگی
	فرهنگ سازمانی کمّی‌محور	اولویت آموزش و اداره بر تربیت فرهنگی؛ نگاه حاشیه‌ای به فرهنگ
شرایط	محدودیت منابع فرهنگی	کمبود بودجه فرهنگی؛ ضعف نیروی متخصص؛ پراکندگی اعتبارات

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی غالب در این دوره
مداخله‌گر	پویایی‌های مدیریتی متمرکز	تمرکز امضاهای کلیدی؛ شبکه نفوذ؛ کنترل منابع
	فشارهای محیطی و اجتماعی	افزایش تقاضای آموزش؛ تغییرات نسلی؛ رقابت آموزش عالی
راهبردها	تثبیت ساختار فرهنگی در کنار توسعه کمی	ایجاد معاونت فرهنگی؛ تدوین آیین‌نامه‌ها؛ انتظام‌بخشی اداری
	توسعه فرصت‌های آموزشی	گسترش واحدها در مناطق محروم؛ افزایش ظرفیت پذیرش
	تنظیم‌گری حداقلی فرهنگی	برنامه‌های مناسکی؛ رویکرد واکنشی؛ تمرکز بر مناسبت‌ها
	مدیریت متمرکز منابع	تخصیص بودجه از مرکز؛ کنترل ساختاری
پیامدها	تثبیت نهادی و گسترش کمّی دانشگاه	افزایش دسترسی آموزش عالی؛ تثبیت برند دانشگاه در سطح ملی
	تداوم نگاه ابزاری به فرهنگ	ضعف نهادینه‌سازی تربیتی؛ فاصله سند و اجرا
	شکل‌گیری بستر تحول‌های بعدی	ایجاد زیرساخت گسترده سازمانی؛ فراهم شدن زمینه بازتعریف حکمرانی فرهنگی
گونه دوم: «سیاستگذاری هویت‌محور متمرکز» – دوره مدیریت دکتر فرهاد دانشجو		
پدیده محوری	بازتعریف و نهادینه‌سازی سیاستگذاری فرهنگی با رویکرد هویت اسلامی–انقلابی و هدایت متمرکز	جهت‌دهی هویتی دانشگاه؛ اولویت فرهنگ بر سایر کارکردها؛ پیوند علم، دین و هویت ملی؛ تمرکز راهبری فرهنگی؛ یکپارچه‌سازی سیاست و اجرا
شرایط علّی	مبانی ایدئولوژیک و هویتی نظام فرهنگی	ماهیت فرهنگی انقلاب؛ صیانت از ارزش‌ها؛ تقویت هویت اسلامی–ایرانی؛ مرجعیت دینی در فرهنگ
	الزامات اسناد بالادستی و تکالیف حاکمیتی	انطباق با سیاست‌های کلان نظام؛ مرجعیت گفتمانی؛ معماری هویت اسلامی–انقلابی
	بحران هویتی و ساختاری دانشگاه	وارداتی بودن الگوی دانشگاه؛ سکولارشدن آموزش؛ مدرک‌گرایی؛ ضعف تربیت فرهنگی
	ضرورت صیانت فرهنگی	مقابله با نفوذ فرهنگی؛ پدافند نرم؛ پاسداشت شعائر و ارزش‌های اخلاقی
شرایط زمینه‌ای	بستر نهادی هم‌راستا با گفتمان انقلاب	انسجام عمودی سیاستی؛ تبعیت از اسناد ملی؛ ساختار سلسله‌مراتبی
	هویت تمدنی و ارزشی دانشگاه	ریشه‌های انقلابی؛ رسالت تمدن‌ساز؛ پیوستگی علم و تربیت
	ساختار گسترده و چندلایه سازمانی	تمرکز تصمیم‌گیری؛ فاصله مرکز و واحدها؛ ناهمگونی اجرای سیاست‌ها
	تنوع فرهنگی و نسلی دانشجویان	شکاف نسلی؛ تغییر سبک زندگی؛ تنوع قومی و منطقه‌ای

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی غالب در این دوره
شرایط مداخله‌گر	حکمرانی دفاعی و صیانتی	مدیریت تهدیدات فرهنگی؛ نظارت و کنترل ارزشی
	محدودیت منابع و وابستگی مالی	شهریه‌محوری؛ کمبود بودجه فرهنگی؛ پراکندگی منابع
	پویایی‌های مدیریتی و تعارض سطوح تصمیم	چندگانگی دستورالعمل‌ها؛ تمرکز امضا؛ مقاومت سازمانی
	نفوذ رسانه و فضای مجازی	مرجعیت دیجیتال؛ رقابت گفتمانی؛ شکل‌گیری هویت آنلاین
راهبردها	معماری متمرکز نظام سیاستگذاری فرهنگی	نهادسازی رسمی فرهنگ؛ تدوین اسناد هویتی؛ تعیین شاخص‌های فرهنگی
	تنظیم‌گری فرهنگی و هنجاری	منشور اخلاق حرفه‌ای؛ پیوست فرهنگی پروژه‌ها؛ قانون‌گرایی
	مهندسی فرهنگی آموزش و سبک زندگی	بازمهندسی برنامه درسی؛ ادغام تربیت در آموزش؛ ترویج سبک زندگی اسلامی–ایرانی
	توانمندسازی کنشگران ارزشی	نقش‌آفرینی استاد مرجع؛ حمایت از تشکل‌های همسو؛ آموزش مدیران فرهنگی
	حکمرانی پایش‌محور	نظام ارزیابی و رتبه‌بندی فرهنگی؛ نظارت مستمر
پیامدها	تقویت هویت اسلامی–انقلابی دانشگاه	درونی‌سازی ارزش‌ها؛ تقویت خودآگاهی فرهنگی؛ تربیت نسل متعهد
	انسجام ساختاری و تمرکز راهبری فرهنگی	هم‌راستاسازی واحدها؛ کاهش پراکندگی سیاست‌ها
	ارتقای مرجعیت فرهنگی دانشگاه	نقش‌آفرینی در نظام علمی–فرهنگی کشور؛ مشروعیت ارزشی
	افزایش کنترل و صیانت فرهنگی	کاهش آسیب‌های هنجاری؛ مدیریت تعارض‌های فرهنگی
	شکل‌گیری بستر گذار به حکمرانی چندسطحی	زمینه‌سازی برای بازتنظیم تعادل مداخله در دوره‌های بعد
گونه سوم: «سیاستگذاری اداری ـ نهادی با رویکرد ساختاری» – دوره مدیریت دکتر حمید میرزاده		
پدیده محوری	نهادینه‌سازی و انتظام‌بخشی سیاستگذاری فرهنگی در چارچوب ساختار اداری و نظام‌مند	یکپارچه‌سازی سیاست و اجرا؛ ترجمه اسناد به برنامه عملیاتی؛ تقویت نظامات آیین‌نامه‌ای؛ ارزیابی‌پذیری فرهنگی؛ ارتقای کارآمدی نهادی
شرایط علّی	ضرورت تحول ساختاری و پاسخگویی نهادی	عملیاتی‌سازی اسناد تحولی؛ پاسخ به شکاف وضع موجود و مطلوب؛ ارتقای جایگاه فرهنگ در ساختار رسمی
	ضعف مفهومی و اجرایی سیاستگذاری فرهنگی	فقدان شاخص ارزیابی؛ گسست سند و اجرا؛ سیاستگذاری مقطعی و واکنشی
	غلبه کمیت‌گرایی و اقتصادمحوری	وابستگی به شهریه؛ تمرکز منابع؛ فشارهای مالی

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی غالب در این دوره
	الزامات حاکمیتی و اسناد بالادستی	انطباق با سیاست‌های کلان؛ پاسخگویی قانونی؛ مرجعیت گفتمانی
شرایط زمینه‌ای	ساختار گسترده و چندلایه دانشگاه	پراکندگی جغرافیایی واحدها؛ استقلال نسبی واحدها؛ تنوع رویه‌های اجرایی
	ماهیت غیردولتی و شهریه‌محور	محدودیت بودجه فرهنگی؛ ضرورت مدیریت منابع
	تنوع فرهنگی و نسلی بدنه دانشگاه	تکثر فرهنگی؛ شکاف نسلی؛ تفاوت‌های منطقه‌ای
	بستر اسنادی و حکمرانی کلان	الزام تبعیت از اسناد ملی؛ چارچوب‌های قانونی و آیین‌نامه‌ای
شرایط مداخله‌گر	محدودیت منابع و زیرساخت‌های فرهنگی	کمبود نیروی متخصص؛ پراکندگی اعتبارات؛ ضعف زیرساخت فناورانه
	بروکراسی و تمرکز اداری	تعدد بخشنامه‌ها؛ کندی تصمیم‌گیری؛ جزیره‌ای عمل کردن واحدها
	ناپایداری مدیریتی و تعارض سطوح تصمیم	تغییرات سریع مدیران؛ اختلاف مرکز و واحدها
	تحولات رسانه‌ای و محیطی	نفوذ فضای مجازی؛ فشارهای اجتماعی و اقتصادی
راهبردها	نظام‌سازی و بازمهندسی ساختاری	اصلاح آیین‌نامه‌ها؛ انتظام‌بخشی قانونی؛ یکپارچه‌سازی بودجه فرهنگی
	استقرار نظام ارزیابی و پایش	شاخص‌سازی فرهنگی؛ نظارت کارنامه‌محور؛ شفاف‌سازی عملکرد
	توانمندسازی سرمایه انسانی فرهنگی	آموزش مدیران فرهنگی؛ تقویت نقش هیئت علمی؛ حمایت از تشکل‌های دانشجویی
	بومی‌سازی و انعطاف اجرایی	انطباق برنامه‌ها با شرایط منطقه‌ای؛ حذف یکسان‌سازی بخشنامه‌ای
	بهره‌گیری از فناوری و هوشمندسازی	توسعه سامانه‌های الکترونیک؛ حضور فعال در فضای مجازی
پیامدها	ارتقای انسجام سیاست و اجرا	کاهش پراکندگی؛ هم‌راستایی واحدها؛ افزایش ارزیابی‌پذیری
	بهبود حکمرانی فرهنگی	شفافیت عملکرد؛ تقویت پاسخگویی نهادی
	چابک‌سازی نسبی ساختار فرهنگی	تسهیل اجرا؛ کاهش مقاومت سازمانی
	تقویت سرمایه انسانی و حرفه‌ای شدن مدیریت فرهنگی	توانمندسازی مدیران؛ افزایش مشارکت استاد و دانشجو
	افزایش مشروعیت و کارآمدی نهادی دانشگاه	بهبود تصویر اجتماعی؛ ارتقای اعتماد ذی‌نفعان
گونه چهارم: «سیاستگذاری تعاملی ـ بازتنظیمی» – دوره مدیریت دکتر فرهاد رهبر		
پدیده محوری	بازتعریف و نهادینه‌سازی سیاستگذاری فرهنگی با رویکرد تربیتی–هویتی و حکمرانی متعادل	جهت‌دهی هویتی دانشگاه؛ یکپارچه‌سازی سیاست و اجرا؛ حکمرانی چندسطحی؛ تعادل مداخله و خودتنظیمی؛ ارتقای کارآمدی و مشروعیت فرهنگی
شرایط علّی	الزامات هویتی و ایدئولوژیک نظام فرهنگی	تقویت هویت اسلامی–ایرانی؛ رسالت تمدنی دانشگاه؛ پیوند علم، دین و تربیت

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی غالب در این دوره
	بحران ساختاری و ضعف اجرایی سیاست فرهنگی	گسست سند و اجرا؛ سیاستگذاری مقطعی؛ کم‌رنگ بودن تربیت فرهنگی
	غلبه کمیت‌گرایی و اقتصادمحوری	وابستگی به شهریه؛ توسعه کمی نامتوازن؛ فشار مالی
	ضرورت بازتنظیم حکمرانی فرهنگی	حکمرانی چندسطحی؛ نیاز به نهاد واسط نخبگانی؛ بومی‌سازی سیاست‌های کلان
	الزامات اسناد بالادستی و تکالیف قانونی	انطباق با سیاست‌های کلان؛ سند تحول؛ صیانت فرهنگی
شرایط زمینه‌ای	ساختار شبکه‌ای و گسترده دانشگاه	پراکندگی جغرافیایی واحدها؛ استقلال نسبی واحدها؛ پیچیدگی مدیریتی
	تنوع فرهنگی و نسلی بدنه دانشگاه	تکثر قومی و اجتماعی؛ شکاف نسلی؛ فرهنگ دیجیتال
	زیست‌بوم رسانه‌ای و فناورانه	نفوذ فضای مجازی؛ آموزش مجازی؛ مرجعیت رسانه‌ای جدید
	ماهیت غیردولتی و شهریه‌محور	محدودیت بودجه فرهنگی؛ فشارهای معیشتی
	بستر اسنادی و هویتی انقلاب اسلامی	منظومه فکری انقلاب؛ آرمان تمدن نوین اسلامی
شرایط مداخله‌گر	ناپایداری مدیریتی و تعارض سطوح تصمیم	تغییر مدیران؛ چندگانگی بخشنامه‌ها؛ اختلاف مرکز و واحدها
	محدودیت منابع و ضعف نظام انگیزشی	کمبود نیروی متخصص فرهنگی؛ نبود مشوق ارتقایی
	فشارهای اجتماعی و رسانه‌ای بیرونی	شبکه‌های اجتماعی؛ تحولات ارزشی؛ فشار ذی‌نفعان بیرونی
	ابهام عملیاتی اسناد و مقاومت سازمانی	دشواری ترجمه سیاست به برنامه؛ عادت‌های نهادی
	نظام‌های نظارت و ارزیابی	پایش کارنامه‌محور؛ سامانه‌های دیجیتال
راهبردها	بازطراحی حکمرانی فرهنگی دانشگاه	حکمرانی چندسطحی؛ تعادل مداخله؛ ایجاد نهاد واسط تخصصی
	نهادینه‌سازی مشارکت استاد و دانشجو	شوراها و تشکل‌ها؛ نقش مرجعیت فرهنگی استاد؛ دانشجومحوری
	بومی‌سازی و اقتضامحوری سیاست‌ها	طراحی برنامه‌های محلی؛ حذف یکسان‌سازی بخشنامه‌ای
	هوشمندسازی و شفافیت فرهنگی	استقرار نظام ارزیابی فرهنگی؛ شفاف‌سازی مالی؛ پایش دیجیتال
	پیوند فرهنگ با آموزش، مهارت و کارآفرینی	ادغام فرهنگ در برنامه درسی؛ اقتصاد دانش‌بنیان فرهنگی
	توانمندسازی سرمایه انسانی فرهنگی	آموزش مدیران فرهنگی؛ مشوق‌های ارتقایی؛ شبکه‌سازی نخبگانی
	توسعه تعاملات فرانهادی	پیوند دانشگاه با خانواده، جامعه و نهادهای فرهنگی
پیامدها	تعمیق هویت فرهنگی و تربیتی دانشگاه	درونی‌سازی ارزش‌ها؛ تقویت خودآگاهی دینی–ملی
	ارتقای کیفیت حکمرانی فرهنگی	انسجام سیاست و اجرا؛ ارزیابی‌پذیری و شفافیت
	افزایش مشارکت و سرمایه اجتماعی	فعال شدن تشکل‌ها؛ افزایش اعتماد نهادی
	چابکی و انعطاف‌پذیری فرهنگی	بومی‌سازی سیاست‌ها؛ کاهش مقاومت سازمانی
	تقویت مشروعیت و مزیت رقابتی دانشگاه	تصویر مثبت اجتماعی؛ اثرگذاری محلی و ملی
گونه پنجم: «سیاستگذاری تحول‌گرا با رویکرد تربیتی ـ تمدنی» – دوره مدیریت دکتر محمدمهدی طهرانچی		

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی غالب در این دوره
پدیده محوری	بازتعریف و نهادینه‌سازی سیاستگذاری فرهنگی با رویکرد تربیتی ـ تمدنی	جهت‌دهی هویتی و ارزشی دانشگاه؛ پیوند علم، تربیت و تمدن‌سازی؛ یکپارچه‌سازی سیاست و اجرا؛ حکمرانی فرهنگی متعادل و اقتضامحور؛ ارتقای کارآمدی و مشروعیت فرهنگی
شرایط علّی	رسالت تمدنی و هویتی دانشگاه	تحقق تمدن نوین اسلامی؛ تبیین گفتمان انقلاب؛ دانشگاه به مثابه مبدأ تحولات فرهنگی
	الزامات اسناد بالادستی و منظومه فکری انقلاب	انطباق با سیاست‌های کلان؛ بیانیه گام دوم؛ مرجعیت گفتمانی
	بحران ساختاری و ضعف اجرایی فرهنگ در دانشگاه	گسست سند و اجرا؛ ضعف نگرش مدیریتی؛ سیاستگذاری مقطعی
	غلبه کمیت‌گرایی و اقتصادمحوری	وابستگی به شهریه؛ توسعه کمی بی‌ضابطه؛ درآمدمحوری
	تحولات فناورانه و رسانه‌ای	نفوذ فضای مجازی؛ تغییرات نسلی؛ مرجعیت رسانه‌ای جدید
	ضرورت تحول در حکمرانی فرهنگی	حکمرانی چندسطحی؛ تعادل مداخله؛ نیاز به نهاد واسط نخبگانی
شرایط زمینه‌ای	بستر هویتی و تمدنی انقلاب اسلامی	ریشه‌های انقلابی دانشگاه؛ پیوند علم و تربیت؛ آرمان‌های تمدنی
	ساختار شبکه‌ای و گسترده دانشگاه	پراکندگی جغرافیایی؛ استقلال نسبی واحدها؛ ساختار چندلایه
	زیست‌بوم فرهنگی و نسلی متکثر	تنوع قومی و اجتماعی؛ شکاف نسلی؛ فرهنگ دیجیتال
	بستر اسنادی و تحولی دانشگاه	سند تحول و تعالی؛ نظام اسناد بالادستی
	اقتضائات محیطی و فناورانه	جهانی‌شدن فرهنگ؛ فضای مجازی؛ اقتصاد دانش‌بنیان
شرایط مداخله‌گر	نظام‌های پایش و ارزیابی هوشمند	کارنامه‌محوری؛ رتبه‌بندی فرهنگی؛ پایش دیجیتال
	مدیریت منابع و محدودیت‌های مالی	بودجه‌ریزی عملیاتی؛ تخصیص هدفمند منابع
	پویایی‌های مدیریتی و سازمانی	ناپایداری مدیریتی؛ تعارض مرکز و واحدها؛ بروکراسی
	سرمایه انسانی و کنشگران فرهنگی	نقش تربیتی استاد؛ مشارکت دانشجویان؛ توان مدیریتی
	فشارهای اجتماعی و رسانه‌ای بیرونی	رقابت گفتمانی؛ فشار اقتصادی؛ تحولات اجتماعی
راهبردها	معماری نوین حکمرانی فرهنگی تحول‌گرا	استقرار مدل مدیریت مبتنی بر اقطاب اثرگذار؛ حکمرانی چندسطحی
	تعالی‌بخشی هویتی و سبک زندگی اسلامی–ایرانی	مهندسی سبک زندگی؛ تبیین گفتمان انقلاب؛ تربیت نسل تمدن‌ساز
	نهادینه‌سازی سیاستگذاری نظام‌مند	ترجمه سیاست به برنامه اقدام؛ شاخص‌سازی؛ یکپارچه‌سازی اجرا
	توانمندسازی و شبکه‌سازی کنشگران	ارتقای نقش اساتید؛ حمایت از تشکل‌های دانشجویی؛ اتاق فکر فرهنگی
	پیوند فرهنگ با آموزش، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان	ادغام تربیت در برنامه درسی؛ کارآفرینی فرهنگی؛ تولید علم بومی

پارادایم	مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی غالب در این دوره
	هوشمندسازی و حکمرانی دیجیتال فرهنگی	معماری رسانه‌ای دانشگاه؛ مدیریت فضای مجازی
	بومی‌سازی و اقتضامحوری سیاست‌ها	انعطاف منطقه‌ای؛ حذف یکسان‌سازی بخشنامه‌ای
	صیانت و تنظیم‌گری فرهنگی	منشور اخلاق حرفه‌ای؛ پدافند فرهنگی؛ سلامت محیط دانشگاه
پیامدها	تعالی تربیتی و هویتی دانشگاهیان	درونی‌سازی ارزش‌ها؛ رشد اخلاقی و بصیرتی؛ مسئولیت‌پذیری اجتماعی
	تحول ساختاری و ارتقای حکمرانی فرهنگی	انسجام سیاست و اجرا؛ ارزیابی‌پذیری؛ شفافیت عملکرد
	پویایی زیست‌بوم فرهنگی دانشگاه	افزایش مشارکت دانشجویی؛ فعال شدن شبکه‌های فرهنگی
	مرجعیت فرهنگی و اثرگذاری تمدنی	بازتولید قدرت نرم؛ ارتقای جایگاه دانشگاه در حکمرانی فرهنگی
	افزایش مشروعیت و مزیت رقابتی دانشگاه	اعتماد اجتماعی؛ جذب و نگهداشت دانشجو؛ اعتبار نهادی

مرحله پنجم- گزارش نظریه: در این مرحله، نتایج حاصل از کدگذاری، مقوله‌بندی و گونه‌شناسی در قالب یک روایت نظری منسجم صورت‌بندی شد. گزارش نظریه در این پژوهش به معنای تبدیل داده‌های طبقه‌بندی‌شده به یک چارچوب تبیینی است؛ چارچوبی که نشان دهد سیاستگذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی چگونه شکل گرفته، تحت تأثیر چه شرایطی تغییر کرده، از چه راهبردهایی بهره برده و چه پیامدهایی به همراه داشته است. بنابراین، نظریه ارائه‌شده صرفاً بازگویی محتوای جدول‌ها نیست، بلکه کوششی برای توضیح منطق پویای سیاستگذاری فرهنگی در این دانشگاه است. بر اساس یافته‌های پژوهش، سیاستگذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی فرایندی ایستا و خطی نیست، بلکه فرایندی پویا، زمینه‌مند و بازتکرارشونده است. این فرایند از یک‌سو از شرایط علّی اثر می‌پذیرد؛ شرایطی مانند مبانی ایدئولوژیک و هویتی نظام فرهنگی، بحران تاریخی و ساختاری نهاد دانشگاه، غلبه کمیت‌گرایی و اقتصادمحوری، ضعف مفهومی و اجرایی سیاستگذاری فرهنگی و ضرورت بازتعریف حکمرانی فرهنگی. از سوی دیگر، این شرایط در خلأ عمل نمی‌کنند، بلکه در بستر نهادی و اجتماعی خاص دانشگاه آزاد اسلامی معنا می‌یابند؛ بستری که با گستردگی سازمانی، تنوع منطقه‌ای، استقلال نسبی واحدها، وابستگی مالی به شهریه، تنوع فرهنگی و نسلی دانشجویان، تحولات رسانه‌ای و فناوری و فرهنگ سازمانی خاص دانشگاه مشخص می‌شود. در این چارچوب نظری، شرایط مداخله‌گر نقش تعیین‌کننده‌ای در شدت، جهت و کیفیت تحقق سیاست‌های فرهنگی دارند. برای مثال، حتی اگر در سطح اسناد و برنامه‌ها بر هویت فرهنگی، تربیت دینی، مشارکت دانشجویی یا بومی‌سازی برنامه‌ها تأکید شود، عواملی مانند ناپایداری مدیریتی، ضعف

منابع مالی، کمبود نیروی متخصص فرهنگی، مقاومت سازمانی، فشارهای رسانه‌ای و ابهام عملیاتی اسناد می‌توانند اجرای سیاست‌ها را محدود یا دگرگون کنند. ازاین‌رو، فاصله میان سیاست مصوب و سیاست اجراشده یکی از یافته‌های مهم پژوهش است. این فاصله نشان می‌دهد که اثربخشی سیاستگذاری فرهنگی نه فقط به کیفیت اسناد، بلکه به ظرفیت نهادی، نظام انگیزشی، سازوکارهای ارزیابی و میزان مشارکت کنشگران دانشگاهی وابسته است. در پاسخ به این شرایط، دانشگاه آزاد اسلامی در دوره‌های مختلف مدیریتی راهبردهای متفاوتی را دنبال کرده است. در برخی دوره‌ها، راهبرد غالب، تثبیت ساختار و توسعه کمی دانشگاه بوده و فرهنگ بیشتر به‌صورت برنامه‌های مکمل و مناسبتی ظهور یافته است. در برخی دوره‌ها، راهبرد اصلی به سمت تمرکز هویتی، تنظیم‌گری ارزشی و انسجام‌بخشی فرهنگی حرکت کرده است. در دوره‌هایی دیگر، تلاش برای نظام‌مند کردن فرایندها، تدوین آیین‌نامه‌ها، شاخص‌گذاری و ارزیابی فرهنگی برجسته شده است. همچنین در دوره‌های متأخر، راهبردهایی مانند حکمرانی چندسطحی، بومی‌سازی برنامه‌های فرهنگی، تقویت مشارکت استادان و دانشجویان، هوشمندسازی، شبکه‌سازی فرهنگی و پیوند فرهنگ با آموزش، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان اهمیت بیشتری یافته‌اند. پیامدهای سیاستگذاری فرهنگی نیز متناسب با نوع راهبرد و شرایط اجرای آن متفاوت بوده است. در سطح مثبت، این سیاست‌ها می‌توانند به تعمیق هویت دینی ـ ملی دانشجویان، تقویت زیست فرهنگی دانشگاه، افزایش مشارکت فرهنگی، ارتقای نقش تربیتی استادان، بهبود حکمرانی فرهنگی، افزایش شفافیت و ارزیابی‌پذیری، تقویت اعتماد اجتماعی و افزایش مشروعیت نهادی دانشگاه منجر شوند. با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهد که تحقق این پیامدها مشروط به آن است که سیاستگذاری فرهنگی از سطح شعار، مناسبت‌گرایی و بخشنامه‌محوری فراتر رود و به بخشی پایدار از حکمرانی دانشگاهی تبدیل شود. به بیان دیگر، زمانی سیاستگذاری فرهنگی به پیامدهای مطلوب می‌انجامد که میان اهداف فرهنگی، منابع اجرایی، ساختار سازمانی، کنشگران دانشگاهی و سازوکارهای ارزیابی پیوندی واقعی برقرار شود. نظریه برآمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سیاستگذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی را می‌توان به‌مثابه «فرایند بازتعریف و نهادینه‌سازی فرهنگ در نسبت با هویت، حکمرانی و تحول دانشگاهی» فهم کرد. در این فرایند، هر دوره مدیریتی بر اساس مسئله غالب خود، یکی از ابعاد فرهنگ را برجسته‌تر کرده است: دوره‌ای بر تثبیت و توسعه کمی، دوره‌ای بر هویت اسلامی ـ انقلابی، دوره‌ای بر انتظام ساختاری و اداری، دوره‌ای بر تعامل و بازتنظیم حکمرانی، و دوره‌ای بر تحول تربیتی ـ تمدنی تأکید

داشته است. با وجود تفاوت این دوره‌ها، یک خط روند مشترک قابل مشاهده است: حرکت تدریجی از نگاه حاشیه‌ای و برنامه‌ای به فرهنگ، به سمت فهم فرهنگ به‌عنوان مؤلفه‌ای راهبردی در حکمرانی دانشگاه. بر پایه این روایت نظری، رابطه میان شرایط علّی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها رابطه‌ای چرخه‌ای و بازخوردی است. پیامدهای هر دوره، خود می‌توانند به شرایط علّی یا زمینه‌ای دوره بعد تبدیل شوند. برای نمونه، توسعه کمی گسترده در دوره‌های اولیه، ضمن تثبیت نهادی دانشگاه، در دوره‌های بعد مسئله کیفیت فرهنگی، هویت تربیتی و انسجام سیاستگذاری را برجسته کرد. همچنین تمرکز هویتی در یک دوره، در دوره‌های بعد ضرورت بازتنظیم میزان مداخله، مشارکت بیشتر کنشگران و بومی‌سازی سیاست‌ها را پدید آورد. به همین ترتیب، استقرار نظام‌های ارزیابی و هوشمندسازی می‌تواند در دوره‌های بعد، مبنای تصمیم‌گیری دقیق‌تر و سیاستگذاری مبتنی بر داده قرار گیرد. بنابراین، گونه‌های پنج‌گانه شناسایی‌شده نه گسسته از یکدیگر، بلکه حلقه‌هایی از یک روند تحولی به شمار می‌آیند. در جمع‌بندی نظری می‌توان گفت که اثربخشی سیاستگذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی زمانی افزایش می‌یابد که پنج شرط به‌صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد: نخست، تعریف روشن و مشترک از سیاستگذاری فرهنگی؛ دوم، پیوند واقعی میان سیاست‌های فرهنگی و ساختار اجرایی دانشگاه؛ سوم، تأمین منابع و سرمایه انسانی متخصص برای اجرای برنامه‌ها؛ چهارم، مشارکت فعال استادان، دانشجویان، مدیران و نهادهای بیرونی در قالب حکمرانی چندسطحی؛ و پنجم، استقرار نظام ارزیابی و بازخورد برای اصلاح مستمر سیاست‌ها. در چنین وضعیتی، سیاستگذاری فرهنگی می‌تواند از سطح تصمیم‌های مقطعی و مناسبتی عبور کرده و به سازوکاری پایدار برای تقویت هویت، ارتقای کیفیت حکمرانی و افزایش مشروعیت اجتماعی دانشگاه تبدیل شود. شکل ۱، گونه‌شناسی سیاستگذاری فرهنگی در ادوار مدیریتی دانشگاه آزاد اسلامی و منطق ارتباطی میان این گونه‌ها را نشان می‌دهد.

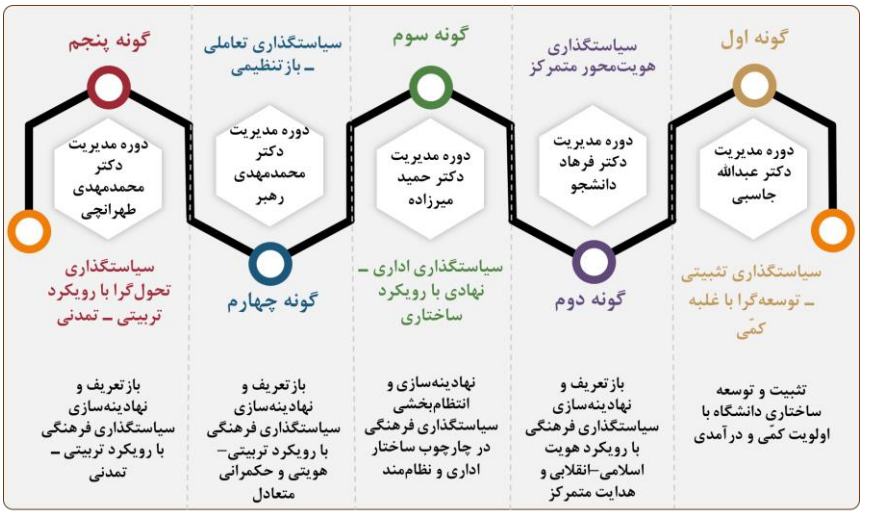

شکل ۱- گونه‌شناسی سیاستگذاری فرهنگی در ادوار مدیریتی دانشگاه آزاد اسلامی

نتیجه گیری و پیشنهادات

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی در دوره‌های مدیریتی مختلف، از یک رویکرد کمّی ـ تثبیتی به‌تدریج به سوی الگویی تعاملی ـ بازتنظیمی و در نهایت به چارچوبی تحول‌گرا ـ تربیتی ـ تمدنی حرکت کرده است. این تحول صرفاً ناشی از تغییرات ساختاری و اداری نبوده، بلکه برآیند تعامل میان تحولات مدیریتی، دگرگونی‌های ایدئولوژیک، الزامات فناورانه و تغییر نیازها و انتظارات جامعه هدف بوده است. بر این اساس، سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی را می‌توان فرایندی تدریجی، لایه‌مند و انباشتی دانست که در هر دوره، ضمن حفظ برخی عناصر گذشته، واجد منطق و سازوکارهای جدیدی شده است. در دوره دکتر عبدالله جاسبی، سیاست‌گذاری فرهنگی به‌صورت «تثبیتی-توسعه‌گرا با غلبه کمّی» توصیف شد؛ تمرکز بر گسترش تعداد واحدها و پذیرش دانشجو، در حالی که فرهنگ به‌عنوان یک ضمیمه اداری مطرح می‌شد. این الگو با نتایج نصیری فیروز و اسکندری (۱۴۰۲) که موانع ساختاری و کمبود داده‌های پایه‌ای را در مرحله تدوین سیاست‌های فرهنگی شناسایی کردند، هم‌راستا است. همان‌گونه که یافته‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد، در مراحل اولیه توسعه، ضعف در مسئله‌شناسی فرهنگی و فقدان چارچوب‌های ارزیابی، زمینه‌ساز شکل‌گیری سیاست‌های کم‌عمق و مناسبت‌محور می‌شود. با این حال، دستاورد مهم این دوره را باید در ایجاد زیرساخت‌های نهادی،

ساختار سازمانی و شبکه‌های اداری لازم برای دوره‌های بعدی جست‌وجو کرد؛ امری که با مفهوم «پایه‌گذاری ساختاری برای تحول فرهنگی» در مطالعات هس‌موندال و نگوس (۲۰۱٦) نیز قابل تبیین است. در دوره دکتر فرهاد دانشجو، سیاست‌گذاری فرهنگی وارد مرحله «هویت‌محور متمرکز» شد. در این مرحله، ارزش‌های اسلامی ـ انقلابی، تقویت هویت دانشگاهی و انسجام فرهنگی به محور اصلی سیاست‌ها تبدیل شد و ساختار تصمیم‌گیری نیز صورتی متمرکزتر به خود گرفت. این ویژگی با مدل هویت‌محور سلیمانی و همکاران (۱٤۰۱) که بر ابعاد هویت، دیانت و زبان تأکید دارد، هم‌پوشانی دارد. با این حال، تفاوت مهم در آن است که در مدل سلیمانی، تمرکز بیشتر بر هویت جوانان در سطح منطقه‌ای است، در حالی که در دانشگاه آزاد اسلامی، این جهت‌گیری در سطح کلان سازمانی و از طریق ابزارهای رسمی مانند آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و رویه‌های اجرایی دنبال شد. بنابراین می‌توان گفت که دانشگاه در این دوره، نقش «مرکز هویتی» خود را در میان مؤسسات آموزش عالی برجسته‌تر ساخت. با وجود این، تمرکزگرایی بالا، در کنار تقویت انسجام ارزشی، به کاهش انعطاف‌پذیری واحدها و تضعیف مشارکت سطوح مختلف در فرایند سیاست‌گذاری نیز انجامید؛ نکته‌ای که با یافته‌های نصیری‌فیروز و همکاران (۱٤۰۱) درباره محدودیت‌های مشارکتی و تنش‌های بین‌سطحی همسو است. دوره دکتر حمید میرزاده با «سیاست‌گذاری اداری ـ نهادی با رویکرد ساختاری» شناخته می‌شود. در این مرحله، توجه به نظام‌سازی، ارزیابی‌پذیری، سامان‌دهی رویه‌ها و هوشمندسازی فرایندهای فرهنگی در دستور کار قرار گرفت. این رویکرد با چارچوب ارزیابی نصیری‌فیروز و همکاران (۱٤۰۱) که بر معیارهای تناسب، کارایی و اثربخشی تأکید دارد، هم‌راستا است؛ با این تفاوت که پژوهش حاضر نشان می‌دهد این معیارها در دانشگاه آزاد اسلامی از سطح مفهومی فراتر رفته و در قالب ابزارهای رسمی نظیر سامانه‌های پایش، داشبوردهای دیجیتال و سازوکارهای گزارش‌دهی اجرایی شده‌اند. در مقایسه با مطالعات خارجی، از جمله ترن (۲۰۲٤)، که بیشتر بر فشارهای بیرونی و گرایش‌های نئولیبرالی در سیاست‌گذاری فرهنگی تأکید می‌کند، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دانشگاه آزاد در این دوره کوشیده است از طریق بهره‌گیری از فناوری‌های مدیریتی، نوعی نظم نهادی در حوزه فرهنگ ایجاد کند. با این حال، غلبه نگاه اداری و رویه‌ای در برخی موارد سبب شد که فرهنگ به عرصه‌ای قابل سنجش اما کمتر معناساز تقلیل یابد و جنبه‌های عمیق‌تر تربیتی و هویتی تا حدی در حاشیه قرار گیرد.

در دوره دکتر محمدمهدی طهرانچی، الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی به سوی «تحول‌گرایی

فناورانه ـ مسئله‌محور» حرکت کرد. در این دوره، فرهنگ دیگر نـه صـرفاً یـک حـوزه پشـتیبان، بلکـه بخشی از زیست‌بوم تحول دانشگاه تلقی شد؛ زیسـت‌بومی کـه در آن، فنـاوری، حکمرانـی هوشـمند، حل مسئله، شبکه‌سازی و بازتعریف نسبت دانشگاه با جامعه نقش محوری یافت. ایـن جهـت‌گیری بـا برخی مضامین پژوهش نیک‌نژاد (۱۳۹۹) همسو است که بر ضرورت بازنگری سیاسـت‌های فرهنگـی در پرتو تحولات نوین و نقش مؤلفه‌های جدید در دانشـگاه تأکیـد می‌کنـد. بـا ایـن حـال، یافتـه‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در این دوره، تحول فرهنگی صـرفاً در سـطح شـعار یـا برنامـه بـاقی نمانده، بلکه به‌صورت پیوند میان سیاست فرهنگی، حکمرانی داده‌مبنا، بازآرایی سـاختارها و بـازتعریف مأموریت دانشگاهی دنبال شده است. از این منظـر، تفـاوت اساسـی ایـن دوره بـا دوره پیشـین در آن است که فناوری دیگر تنها ابزار کنترل یا ارزیابی نیست، بلکه به بخشی از منطـق خـودِ سیاسـت‌گذاری فرهنگی تبدیل می‌شود. افزون بر ایـن، مسـئله‌محوری در ایـن دوره باعـث شـده اسـت کـه سیاسـت فرهنگی بیش از گذشته به اقتضائات محیطی، نیازهای نسل جدید دانشجویان و الزامـات رقابت‌پـذیری نهادی توجه کند.

با جمع‌بندی یافته‌ها می‌توان گفت که پنج گونه سیاسـت‌گذاری فرهنگـی شناسایی‌شـده در ایـن پژوهش، صرفاً دسته‌بندی‌های توصیفی نیسـتند، بلکـه هـر یـک بازنمایانـنده یـک «منطـق حکمرانـی فرهنگی» خاص‌اند. این منطق‌ها شامل نوع تعریف مسـئله فرهنگـی، شـیوه مداخلـه مـدیریتی، نسـبت ستاد و واحدها، جایگاه فناوری، میزان مشارکت ذی‌نفعان و تلقی از کارکرد فرهنگ در دانشـگاه اسـت. از این حیث، تحـول سیاسـت‌گذاری فرهنگـی در دانشـگاه آزاد اسـلامی را می‌تـوان به‌مثابـه گـذار از «فرهنگ به‌عنوان حاشیه توسعه» به «فرهنگ به‌عنوان جزء سازنده حکمرانـی دانشـگاهی» تفسـیر کـرد. این نتیجه با مطالعاتی که فرهنگ را بخشی از سازوکار کلان حکمرانـی دانشـگاهی می‌داننـد، هم‌راسـتا است، اما در عین حال نشان می‌دهد که این گذار در دانشگاه آزاد اسلامی نه به‌صورت خطی، بلکـه در قالب انباشت، بازتفسیر و بازتنظیم سیاست‌ها رخ داده است.

از منظر نظری، این پژوهش چند دلالت مهـم دارد. نخسـت آنکـه سیاسـت‌گذاری فرهنگـی در دانشگاه را نمی‌توان مستقل از بافت مدیریتی و ساختار قدرت تحلیل کرد؛ زیرا هر تغییـر مـدیریتی، در عمل به بازتعریف اولویت‌های فرهنگی، سازوکارهای تصمیم‌گیری و نوع مداخله منجـر می‌شـود. دوم آنکه فرهنگ در دانشگاه صرفاً یک حوزه ارزشی یا هنجاری نیسـت، بلکـه می‌توانـد بـه‌عنوان متغیـری راهبردی در بازتولید هویت سازمانی، انسجام نهادی، مشروعیت اجتماعی و حتی ظرفیت حـل مسـئله

عمل کند. سوم آنکه یافته‌ها نشان می‌دهد سیاست‌گذاری فرهنگی زمانی مؤثرتر می‌شود که از سطح مناسبت‌محوری و برنامه‌های پراکنده عبور کرده و به سطح نظام‌سازی، حکمرانی هوشمند و پیوند با مأموریت‌های کلان دانشگاه برسد. چهارم آنکه رابطه میان سیاست فرهنگی و ساختار اقتصادی ـ اداری دانشگاه نیز رابطه‌ای تعیین‌کننده است؛ به‌گونه‌ای که در دوره‌هایی که منطق درآمدمحوری و بقا بر سیاست‌گذاری غلبه داشته، وزن فرهنگ به‌عنوان یک اولویت راهبردی کاهش یافته و بیشتر به سطحی اجرایی یا نمادین فروکاسته شده است. در مقابل، هرگاه مدیریت دانشگاه توانسته است میان مأموریت علمی، هویتی و اجتماعی تعادل برقرار کند، امکان نقش‌آفرینی مؤثرتر سیاست فرهنگی نیز افزایش یافته است.

از حیث دلالت‌های عملی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی برای دستیابی به اثربخشی پایدار، نیازمند عبور از رویکردهای مقطعی و تمرکز بر چند محور اساسی است: نخست، طراحی یک چارچوب یکپارچه سیاست‌گذاری فرهنگی که ضمن حفظ اسناد بالادستی، امکان انعطاف متناسب با تنوع واحدهای دانشگاهی را نیز فراهم آورد. دوم، تقویت سازوکارهای مشارکتی به‌منظور بهره‌گیری از ظرفیت اعضای هیئت علمی، دانشجویان و مدیران میانی در فرایند تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها. سوم، توسعه نظام داده‌محور برای رصد مستمر تحولات فرهنگی و سنجش پیامدهای سیاست‌ها، به‌گونه‌ای که تصمیم‌گیری فرهنگی از حالت شهودی و مقطعی فاصله بگیرد. چهارم، بازتعریف نسبت فرهنگ با فناوری و زیست‌بوم دیجیتال دانشگاه، تا سیاست فرهنگی بتواند پاسخ‌گوی تحولات سبک زندگی، ارتباطات و الگوهای جدید کنش دانشجویی باشد. پنجم، پرهیز از تقلیل فرهنگ به فعالیت‌های مناسبتی و حرکت به سمت پیوند دادن آن با مأموریت‌های آموزشی، پژوهشی، نوآورانه و اجتماعی دانشگاه.

بر این اساس، پیشنهادهای برآمده از پژوهش حاضر را می‌توان در پیوندی توأمان میان ساحت نظری و عرصه کاربردی صورت‌بندی کرد. از منظر بنیادی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاهی در ایران نیازمند الگویی نظری است که بتواند تجربه دانشگاه آزاد اسلامی را نه به‌عنوان موردی منفرد، بلکه به‌مثابه نمونه‌ای مهم از تحول سیاست فرهنگی در آموزش عالی تبیین کند. چنین الگویی باید قادر باشد نسبت میان مدیریت دانشگاهی، هویت سازمانی، فناوری، ساختار اقتصادی و مأموریت‌های علمی، تربیتی و اجتماعی دانشگاه را به‌صورت هم‌زمان توضیح دهد. در این راستا، انجام پژوهش‌های مقایسه‌ای میان دانشگاه آزاد اسلامی و سایر

دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی می‌تواند امکان تعمیم‌پذیری تحلیلی یافته‌ها را افـزایش داده و بـه غنـای ادبیات نظری سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی کمک کند. همچنین، با توجه به دگرگونی‌هـای نسلی و تغییرات گسترده در الگوهای زیست دانشـجویی، ضـروری اسـت در مطالعـات آینـده، نقـش نسل جدید دانشجویان، فضـای مجـازی، تحـولات سـبک زنـدگی و تغییـرات سـرمایه فرهنگـی در بازتعریف سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاهی به‌طور مستقل و عمیق‌تر بررسـی شـود. افـزون بـر ایـن، یکی از محورهای مهم برای توسعه دانش نظری در این حوزه، مطالعـه نسـبت میـان الگوهـای تـأمین مالی دانشگاه و کیفیت سیاست‌گذاری فرهنگی است؛ زیرا یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کـه سـاختار اقتصادی و منطق درآمدی دانشگاه می‌تواند بر جایگـاه فرهنـگ، میـزان اسـتقلال سیاسـت فرهنگـی و عمق مداخلات تربیتی و هویتی اثرگذار باشد. در سطح کاربردی نیز نتایج پژوهش حـاکی از آن اسـت کـه دانشـگاه آزاد اسـلامی بـرای ارتقـای اثربخشـی سیاسـت‌گذاری فرهنگـی، نیازمنـد بـازطراحی سازوکارهای برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی در این حوزه است. در این زمینه، تـدوین نقشـه راه فرهنگـی چندسطحی می‌تواند به تنظیم دقیـق‌تر رابطـه میـان سیاسـت‌های کـلان سـازمانی و اقتضـائات بـومی واحدهای دانشگاهی کمک کند و از یک‌سو انسجام راهبـردی و از سـوی دیگـر انعطـاف عملیـاتی را افزایش دهد. همچنین، استقرار سامانه‌ای یکپارچه برای پایش و ارزیابی سیاسـت‌های فرهنگـی، همـراه با شاخص‌های کمی و کیفی، می‌تواند زمینه‌ساز شفافیت، پاسـخ‌گویی و یـادگیری سـازمانی در حـوزه فرهنگ شود. از سوی دیگر، تقویت سازوکارهای مشورتی و برگزاری نشست‌های منظم بـا ذی‌نفعـان دانشگاهی، از جملـه اعضـای هیئـت علمـی، دانشـجویان، مـدیران فرهنگـی و کنشـگران واحـدهای دانشگاهی، می‌تواند مشارکت‌پذیری، مقبولیت و واقع‌گرایی سیاست‌های فرهنگی را افـزایش دهـد. در کنار ایـن مـوارد، توانمندسـازی مـدیران فرهنگـی در حوزه‌هـایی نظیـر تحلیـل داده، سیاسـت‌پژوهی، آینده‌نگری و حکمرانی دیجیتال ضرورتی اساسی است؛ زیرا پیچیدگی‌های فرهنگی دانشـگاه معاصـر، تصمیم‌گیری‌های سنتی و مبتنی بر تجربه‌های محدود را ناکافی ساخته است. بر همین اساس، سیاسـت فرهنگی دانشگاه باید به‌گونه‌ای بازطراحی شود که از سطح اقدامات واکنشی، مقطعی و مناسـبتی فراتـر رود و به بخشی از راهبرد کلان تحول دانشگاهی و تمدنی تبدیل شود. در مجمـوع، پـژوهش حاضـر نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی، فراینـدی پویـا، تـاریخی و چندلایـه بوده که در هر دوره مدیریتی، صورت‌بندی خاصی یافته است. اهمیت این پژوهش در آن است کـه بـا عبور از توصیف صرف برنامـه‌ها و اقـدامات، کوشـیده اسـت منطـق درونـی تحـول سیاسـت‌گذاری

فرهنگی را آشکار سازد و نشان دهد که چگونه تغییر در ساختار قدرت، سبک مدیریت، اقتضائات اقتصادی و تحولات فناورانه به بازتعریف جایگاه فرهنگ در دانشگاه انجامیده است. از این منظر، آینده سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی در گرو آن است که فرهنگ نه به‌عنوان حوزه‌ای حاشیه‌ای و تابع برنامه‌های اداری، بلکه به‌مثابه یکی از ارکان اصلی حکمرانی دانشگاهی، هویت‌سازی سازمانی و تحول تربیتی و اجتماعی فهم و سازمان‌دهی شود.

منابع

ابراهیم‌آبادی، حسین(۱۳۹۳). سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش عالی: ایده، تجربه و راهبرد، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

ابراهیمی، محسن(۱٤۰۱). کتاب حکمرانی فرهنگی در دانشگاه ها، تهران: نشر کلید پژوه.

اسماعیلی، محسن(۱۳۹۸). فرهنگ، دانشگاه و سیاست‌گذاری فرهنگی. تهران: نشر نی.

اسماعیلی، محمد جواد(۱۳۹۸). «اخلاق مسئولیت» و سیاستگذاری دین در دانشگاه؛ تحلیل «سند دانشگاه اسلامی». تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۲(۳)، ۹۳-۱۲۱.

اشتریان، کیومرث(۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

اصغری، فیروزه(۱٤۰۲). فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه ایرانی، تهران: انتشارات لوگوس.

انصاری، محمدرضا؛ قیومی، عباسعلی؛ صالحی امیری، سیدرضا؛ عزیزآبادی فراهانی، فاطمه و قدمی، محسن(۱٤۰۰). ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی با رویکرد تحول (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران). مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، (۳۹)، ٤۷-٦٦.

باروت‌کوب‌زاده، مجید(۱۳۹۰)، سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاههای کشور؛ مطالعه موردی: دولت‌های هفتم و نهم جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ تهران، تهران، ایران.

جاجرمی‌زاده، محسن(۱٤۰۱). الگوی مدیریت تحول فرهنگی در دانشگاه بر پایه نظرات آیت‌الله خامنه‌ای، مطالعات مدیریت دولتی ایران، ۵(۱)، ۵۹-۸۷

خاشعی، وحید(۱۳۹۰). طراحی مدل خط مشی گذاری فرهنگی در آموزش عالی، دفتر سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی (دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی)، تهران

درودی، مسعود(۱۳۹۵). بررسی چند مدل سیاست فرهنگی در حوزه آموزش عالی (با تاکید بر تجارب سیاست فرهنگی در دانشگاه های اروپایی و ایالات متحده آمریکا)، مطالعات راهبردی جهانی شدن، (۲۰)، ۱۲۵-۱٤٤

دکامئی، مرتضی؛ شهرکی پور، حسن و ایمانی، محمدتقی(۱٤۰۰). ارائه مدلی برای ارزیابی شاخص‌های مدیریت فرهنگی در دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران و البرز. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۵(۱)، ۹۷-۱۰۷.

دهقان، حسین؛ مرادی، علی؛ و فلاح‌پور، مصطفی(۱٤۰۰). بررسی فرآیند سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی: مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی. سیاست‌گذاری علم و فناوری، ۱۳(۲)، ٦۵-۸٤

دیزجی، محمدحسن(۱٤۰۳). نقد سیاستگذاری های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی بر مبنای آرا و دیدگاههای مقام معظم رهبری (مطالعه موردی برنامه های٤ _٦ توسعه)، جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۵(٤)، ۳٤۷-۳۷۰

ذکایی، محمد سعید و شفیعی، سمیه سادات(۱۳۸۹). کالبد شکافی سیاست گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ٦(۲۰)، ۷۷-۱۲۰.

سلیمانی، طاهر؛ صامت، علیرضا و قیومی، عباسعلی(۱٤۰۱). ارائه مدل سیاست‌گذاری فرهنگی به‌منظور تقویت (ارتقای) هویت فرهنگی جوانان استان ایلام. فرهنگ ایلام، ۲۳(۷٦-۷۷)، ٦۳-۸۰

سنجری مقدم، فریبا(۱٤۰۳). نقش انقلاب اسلامی در گسترش عدالت آموزشی با تأکید بر زنان تحصیلکرده، جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی،۵(٤)، ۵۷-۷۷.

شرفی، سعید؛ صادقی، محمد؛ و شادمان، نسرین(۱۳۹۷). تحلیل سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی با تأکید بر شاخص‌های اسلامی‌شدن. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱٤(۱)، ۲۳-٤۸.

صادق‌زاده، نازنین؛ ابراهیم‌پور، علیرضا؛ ربیعی، مهناز، و درمان، فائزه(۱٤۰۰). الگوی داده‌بنیاد از تحول فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب). فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۱(۳۸)، ۲٦۳.

فکوهی، ناصر(۱۳۹۹). چشم انداز فرهنگ عمومی و نظام دانشگاهی در جهان و در ایران، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، قم

قجری، سمیه(۱٤۰۱). شناخت عوامل مؤثر بر ایجاد فرهنگ ایثار اجتماعی در دانشگاه آزاد اسلامی، شاهد اندیشه، ۱(۵)، ۲۱۹–۲٤۲.

لطیفی، میثم و ظهوریان ابوترابی، میثم(۱۳۹٤). تدوین الگوی ارزیابی شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها. تحقیقات فرهنگی ایران، ۸(۱)، ٤۷–۷۰.

ناظمی، فرهاد(۱٤۰۰). سیاست‌گذاری فرهنگی و حکمرانی فضای دانشگاهی. نشر علم، تهران.

نصیری فیروز، علیرضا و اسکندری، محمد(۱٤۰۲). تبیین چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی در مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی. مجله مدیریت فرهنگی، ۳(۱۷)، ۱–۱۷.

نصیری فیروز، علیرضا؛ ابیلی، خدایار و پورکریمی، جواد(۱٤۰۰). فراترکیب مؤلفه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام آموزش عالی. مدیریت فرهنگی، ۳(۱۵)، ۱–۱٦.

نصیری فیروز، علیرضا؛ ابیلی، خدایار؛ کرامتی، محمدرضا و پورکریمی، جواد(۱٤۰۱). طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (یک پژوهش آمیخته). مطالعات میان‌فرهنگی، ۵۱(۱۷)، ۹۱–۱۳۰.

هاشمی، سیدضیاء(۱۳۹٦). سیاست فرهنگ در دانشگاه ایرانی؛ رویکردی فرهنگی به آموزش عالی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران.

وحید، مجید(۱۳۸٤). نگاهی به مشکل سیاستگذاری عمومی در ایران در قالب جامعه‌شناسی سازمان‌ها و با بهره گیری از مفهوم مرجعیت، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ٦۹، ۳۱۷–۳۳۰.

Hesmondhalgh, D. & Negus, K. (2016). *Cultural Policy. London: Routledge.*

Steigerwald, C. (2022). Shaping cultural policy discourse in Germany: the case of ‘Cultural Education’. *International Journal of Cultural Policy*, *28*(1), 89-106. https://doi.org/10.1080/10286632.2021.1893314

Tomlinson, John. (2015). Higher Education and the Common Good. London: Bloomsbury.

Towse, R. (2022). *A Textbook of Cultural Economics*. Cambridge University Press.

Tran, T. (2024). Cultural policy on the move: Between the paradigmatic and the pragmatic. *International Journal of Cultural Policy*, *30*(5), 567-582. https://doi.org/10.1080/10286632.2023.2241875

Valtysson, B. (2022). The platformisation of culture: Challenges to cultural policy. *International Journal of Cultural Policy*, *28*(7), 786-798. https://doi.org/10.1080/10286632.2022.2137150